

پیشرفت و عقب ماندگی جوامع و تمدن ها در روشنی قرآن کریم

Progress and Backwardness of Societies and Civilizations in the Light of the Holy Qur'an

پوهنمل دکتور محمد طاهر قاسمی^۱

DOI: 10.64104/v10.Issue18.n1.Fall.2025

چکیده

این مقاله به بررسی عوامل پیشرفت و عقب ماندگی جوامع و تمدن ها در روشنی قرآن کریم می پردازد. این تحقیق نشان می دهد که ایمان، علم، عدالت، رعایت سنن کونی و اجتماعی، همکاری و همبستگی، ارزش های اخلاقی، محیط مناسب و منابع اقتصادی، و نظام سیاسی مستقر، از عوامل اصلی پیشرفت جوامع و تمدن ها به حساب می آیند. همچنین انحراف عقیده، استبداد حاکم، ظلم و فساد به انواع آن، از دلایل عقب ماندگی و تراجع جوامع و تمدن ها قلم داد می شوند. مطالعه نشان می دهد که پایداری به اصول قرآنی و بهره گیری از سنن الهی، کلید دوام و شکوفایی جوامع و تمدن ها است.

واژگان کلیدی: جوامع، تمدن ها، ایمان، علم/دانش، عدالت، سنن کونی، ظلم، فساد، استبداد و نظام

سیاسی مستقر.

^۱. عضو کادر علمی رشته تعلیمات اسلامی پوهنخی شرعیات پوهنتون سلام. +93 79 913 1299. mohammadtaherqasemi@gmail.com

مقدمه

جوامع و تمدن‌ها بر اساس مجموعه‌ای از عوامل بنیادین شکل می‌گیرند که این عوامل می‌توانند باعث رشد یا سقوط آن‌ها شوند. قرآن کریم با ارائه‌ی رهنمودهای روشن، انسان را به شناخت و رعایت این عوامل دعوت می‌کند تا مسیر پیشرفت و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جوامع و تمدن‌ها هموار شود. هدف این تحقیق تبیین عوامل قرآنی مؤثر بر پیشرفت و عقب‌ماندگی جوامع و تمدن‌ها است.

تبیین موضوع تحقیق

موضوع تحقیق، شناسایی عوامل مؤثر بر رشد یا انحطاط جوامع و تمدن‌ها از منظر قرآن کریم است. تحقیق، هر یک از این عوامل را از جمله ایمان، علم، عدالت، رعایت سنن کونی و اجتماعی، همکاری اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی، محیط مناسب و نظام سیاسی، بررسی می‌کند و ارتباط آن‌ها با پیشرفت یا عقب‌ماندگی جوامع و تمدن‌ها را تحلیل می‌نماید.

اهمیت تحقیق

مطالعه عوامل پیشرفت جوامع و تمدن‌ها در روشنی قرآن کریم، به بازشناسی ریشه‌های رشد و سقوط جوامع انسانی کمک می‌کند و می‌تواند راهنمایی برای برنامه‌ریزی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد. اهمیت آن در ایجاد اجتماع و تمدنی پایدار، اخلاق‌مدار و متکی بر اصول قرآنی نهفته است.

اهداف تحقیق

الف - هدف اصلی تحقیق

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر پیشرفت و عقب‌ماندگی جوامع و تمدن‌ها بر اساس آموزه‌های قرآن کریم.

باء - اهداف فرعی تحقیق

1. بررسی نقش ایمان در پیشرفت جوامع و تمدن‌ها.
2. تحلیل اهمیت علم و دانش در ساخت جوامع و تمدن‌ها.
3. تبیین جایگاه عدالت و ارزش‌های اخلاقی در رشد جوامع و تمدن‌ها.
4. شناسایی تأثیر رعایت سنن کونی و تحول درونی بر استقرار جوامع و تمدن‌ها.
5. ارزیابی نقش همکاری‌های اجتماعی و نظام سیاسی مستقر، در دوام جوامع و تمدن‌ها.
6. بررسی علل سقوط جوامع و تمدن‌ها شامل انحراف عقیده، ظلم، استبداد و فساد.

فرضیه تحقیق

پایبندی به آموزه‌های قرآنی و رعایت اصول اخلاقی، اجتماعی، علمی و سیاسی، موجب پیشرفت و دوام جوامع و تمدن‌ها شده، و نقض این اصول سبب عقب‌ماندگی و سقوط جوامع و تمدن‌ها خواهد شد.

سوالات تحقیق

الف - سوال اصلی

چه عواملی بر پیشرفت یا عقب‌ماندگی جوامع و تمدن‌ها از منظر قرآن کریم تأثیرگذار هستند؟

ب - سوالات فرعی

1. نقش ایمان و عمل صالح در پیشرفت جوامع و تمدن‌ها چیست؟

2. علم و دانش چگونه موجب ارتقای جوامع و تمدن‌ها می‌شوند؟
3. عدالت و ارزش‌های اخلاقی چه تأثیری بر دوام جوامع و تمدن‌ها دارند؟
4. رعایت سنن کونی و تحول درونی انسان چگونه بر عمران و آبادانی تأثیر می‌گذارد؟
5. همکاری اجتماعی و نظام سیاسی مستقر چه نقشی در شکل‌گیری جوامع و تمدن‌ها و استقرار آنها دارند؟
6. انحراف عقیده، استبداد، ظلم و فساد چگونه باعث سقوط جوامع و تمدن‌ها می‌شوند؟

پیشینه تحقیق

شاید تاکنون تحقیقات و کتاب‌های متعددی پیرامون پیشرفت و افول تمدن‌ها انجام شده و از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته باشد و به زبان‌های گوناگون منتشر شده باشد؛ اما بر اساس بررسی‌های نویسنده، تنها چهار اثر به زبان عربی یافت شده که به شکلی از اشکال با موضوع این تحقیق ارتباط و شباهت دارند و به شرح زیر است:

1. مقومات الحضارة وعوامل أفولها من منظور القرآن الکریم اثر عمار توفیق أحمد بدوی که به شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده تمدن‌ها و دلایل فروپاشی آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم پرداخته است؛
 2. الحضارة الإسلامية أسسها ووسائلها وصور من تطبيقات المسلمين لها ولمحات من تأثيرها في سائر الأمم اثر عبد الرحمن بن حسن حبنکة میدانی که بنیان‌ها و روش‌های پیاده‌سازی تمدن اسلامی و تأثیر آن بر سایر جوامع را مورد تحلیل قرار داده است؛
 3. ابن خلدون تطور وانھیار الحضارة اثر أحمد شیخ حسین که چرخه‌های صعود و سقوط تمدن‌ها را با تمرکز بر عوامل اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌کند؛
 4. التقدّم الحضاري وتراجعہ في ضوء القرآن الکریم اثر عبد الرزاق میزة نازی که پیشرفت و پسرفت جوامع را از منظر قرآنی تحلیل کرده و نقش ایمان، عدالت و اخلاق در دوام و تعالی جوامع را تبیین می‌کند.
- تحقیق حاضر با استفاده درست از آموزه‌های این آثار و ترکیب دیدگاه‌های آن‌ها، به خصوص اثر اخیر الذکر، چارچوبی جامع و تحلیلی برای بررسی پیشرفت و عقب‌ماندگی جوامع و تمدن‌ها ارائه می‌دهد. با این حال، از لحاظ محتوا و تحلیل علمی دقیق، تفاوت‌های مشخص و قابل توجهی با آن‌ها دارد:
- اولاً، این تحقیق با تمرکز کامل بر آموزه‌های قرآن کریم، تحلیل یکپارچه‌ای از عوامل سازنده و عوامل عقب‌ماندگی و فروپاشی تمدن‌ها ارائه می‌دهد؛
- ثانیاً، رویکرد تحقیق حاضر تحلیلی، عمیق و نظام‌مند است و از روش علمی دقیق برای تبیین مفاهیم بهره می‌برد؛
- ثالثاً، زبان نوشتاری این تحقیق فارسی/ دری است که انتقال مفاهیم قرآنی و علمی را برای مخاطبان فارسی/ دری‌زبان قابل فهم و ملموس می‌سازد.
- بنابراین، تحقیق حاضر ضمن استفاده از منابع پیشین، با تحلیل‌های نوین، دقیق و عمیق خود، رویکردی متفاوت و ژرف به موضوع پیشرفت و عقب‌ماندگی جوامع و تمدن‌ها ارائه می‌کند و امکان نقد، تطبیق و استفاده علمی بیشتری برای محققین و جامعه علمی فراهم می‌آورد.

یافته های تحقیق

جوامع و تمدن‌ها در رشد یا افول خود بر عواملی استوارند که یا موجب بناء و یا سبب ویرانی شان می‌شود. از این‌رو، خداوند متعال در کتاب کریم خویش ما را به توجه و رعایت آن عوامل و به‌کارگیری شان در زندگی راهنمایی کرده است؛ زیرا این عوامل در ساختار جوامع و تمدن انسانی در تمام دوران‌ها و قرون، نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند. در این مقاله، بر مهم‌ترین این عوامل روشنی افکنده می‌شود.

مفهوم جوامع

جوامع جمع جامعه بوده که از لحاظ لغوی و اصطلاحی چنین تعریف می‌شود

الف - معنای لغوی

کلمه جامعه در اصل اسم فاعل مؤنث از ریشه جَمَع است و معنای اصلی آن گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده می‌باشد⁽²⁾.

این ریشه در ساختار زبان عربی همواره به معنای جمع کردن و فراهم آوردن به کار رفته است.

کاربردهای قرآنی این معنا را تأیید می‌کنند، از جمله:

(وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ)⁽³⁾

(يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ)⁽⁴⁾

(إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ)⁽⁵⁾

در زبان عربی قدیم، این کلمه تنها در معنای لغوی به کار می‌رفته و هیچ کاربرد علمی یا اصطلاحی نداشته است. در قرآن نیز مشتقات «جمع» هرگز به معنای رایج امروزی جامعه (*Society*) به کار نرفته‌اند.

ب - معنای اصطلاحی

کلمه جامعه در علوم اجتماعی از گسترده‌ترین و مبهم‌ترین مفاهیم است و گاهی با مفاهیمی مانند ملت، امت و تمدن مترادف تصور می‌شود⁽⁶⁾.

برخی جامعه‌شناسان این مفهوم را تنها بر اجتماعات بزرگ، دارای ساختار و سازمان مشخص اطلاق کرده‌اند، در حالی که اجتماعات کوچک‌تر را «گروه»، «جماعت» یا «دسته» نامیده‌اند⁽⁷⁾.

سبب اختلاف دیدگاه‌ها، هنوز تعریف دقیق و واحدی برای مفهوم جامعه وجود ندارد و اجماع علمی درباره آن حاصل نشده است⁽⁸⁾.

² - دهخدا، علی‌اکبر. (1373 ش). لغت‌نامه دهخدا، ج 5، ص 6489. تهران مؤسسه لغت‌نامه و دانشگاه تهران.

³ - سوره القیامة 9.

⁴ - سوره القیامة 9.

⁵ - سوره القیامة 17.

⁶ - کینگ، ساموئل. (1355 ش). جامعه‌شناسی (ترجمه همدانی)، ص 201. تهران سیمرغ.

⁷ - ساروخانی، باقر. (1370 ش). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، ص 745. تهران کیهان.

⁸ - صلیبا، جمیل. (1370 ش). واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ص 152. تهران انتشار.

مقصود از تمدن

کلمه «تمدن» از اصل عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن است. و در فارسی نیز به معنای شهرنشینی، اخلاق شهری پیدا کردن، و انتقال از حالت خشونت و توحش به ظرافت، انس و معرفت به کار رفته است⁽⁹⁾.

و از نخستین کسانی که این اصطلاح را به معنایی نزدیک به مفهوم جدید آن به کار برد، علامه ابن خلدون بود⁽¹⁰⁾. وی تمدن را چنین تعریف کرده است:

«هي التّفنُّن في التّرفِ واستجادة أحواله والكلف بالصّنائع التي تؤنّق من أصنافه وسائر فنونه»⁽¹¹⁾

ترجمه

تمدن عبارت است از هنر ظرافت و تجمل در زندگی و پرداختن به صنایعی که انواع آن را زینت می‌بخشند و سایر هنرهای مرتبط را نیز شامل می‌شوند.

و برخی دیگر این گونه تعریف کرده اند:

تمدن به صورت اصطلاحی به نظم و سازمان اجتماعی، پیشرفت مادی و معنوی انسان و فنون زندگی شهری گفته می‌شود. این مفهوم شامل شناخت، باور، هنر، اخلاق، قانون، سنت‌ها و مهارت‌هایی است که انسان در جامعه کسب می‌کند⁽¹²⁾.

اما این اصطلاح در گذر زمان تکامل یافته و امروزه مقصود از آن عبارت است از: هرگونه دست آورد روحی و مادی، و هر آنچه

⁹ - ولایتی، علی اکبر. (1382 ش). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (ج. 1، ص. 25-27). تهران مرکز اسناد و خدمات پژوهش؛

طیبیان، سید حمید. (1378 ش). فرهنگ فرزندان فارسی-عربی (ص. 273). تهران فرزندان؛

گلستان قرآن (هفته‌نامه). (بدون سال). گلستان قرآن (ج. 4، ص. 6109). تهران مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.

¹⁰ - علامه ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ ه. = ۱۳۳۲ - ۱۴۰۶ م)

ایشان عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن الحسن حصرمی اشبیلی مالکی، مشهور به ولی‌الدین ابوزید بود. در سال ۷۳۲ هجری در تونس متولد شد. در قاهره منصب قضاوت مالکیه را برعهده گرفت، سپس از آن عزل شد. ایشان دانشمندی ادیب، مورخ و صاحب‌نظر بود.

از آثارش می‌توان کتاب العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی أيام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر که به نام تاریخ ابن خلدون شناخته می‌شود؛ و نیز کتاب لباب المحصل در اصول دین اشاره کرد.

وی - رحمه الله تعالی - در سال ۸۰۸ هجری در شهر قاهره پایتخت فعلی مصر درگذشت.

منابع

أ. الظاهري الحنفي، يوسف بن تغري بردي بن عبد الله، أبو المحاسن جمال الدين. (بدون سال). المنهل الصافي والمستوفي بعد الوافي (تحقيق ووضع حواشيه دكتور

محمد محمد أمين، تقديم دكتور سعيد عبد الفتاح عاشور، ج. 7، ص. 205-209). القاهرة الهيئة المصرية العامة للكتاب.

ب. السخاوي، شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد. (بدون سال). الضوء اللامع لأهل القرن التاسع (ج. 2، ص. 145). بيروت منشورات دار مكتبة الحياة.

ج. ابن العماد الفكري الحنبلي، عبد الحي بن أحمد بن محمد أبو الفلاح. (1986). شذرات الذهب في أخبار من ذهب (تحقيق محمود الأرنؤوط، خرج أحاديثه عبد

القادر الأرنؤوط، الطبعة الأولى، ج. 1، ص. 71-72). دمشق-بيروت دار ابن كثير.

د. الزركلي الدمشقي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس. (2002). الأعلام (الطبعة الخامسة عشر، ج. 4، ص. 106). بيروت دار العلم للملايين.

ه. كحالة، عمر رضا. (2003). معجم المؤلفين (عماد علي جمعة، الناشر سلسلة التراث العربي الإسلامي، الطبعة الثانية، ج. 5، ص. 188). [المكتبة الإسلامية].

¹¹ - ابن خلدون أبو زيد، ولي الدين الحصرمي الإشبيلي، عبد الرحمن بن محمد بن محمد. (1988). ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوي الشأن

الأكبر (المحقق خليل شحادة، الطبعة الثانية، ج. 1، ص. 465). بيروت دار الفكر.

¹² - ولایتی، علی اکبر. (1382 ش). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (ج. 1، ص. 25-27، ص. 30). تهران مرکز اسناد و خدمات پژوهش؛

«الحضارة الغربية والحضارة الإسلامية». (بدون سال). التوحيد (ج. 1، ص. 14-16). بيروت مؤسسة التوحيد للنشر الثقافي؛

ویل دورانت. (1981 م.). تاریخ تمدن (ج. 1، ص. 3-6؛ ترجمه آرام و دیگران). تهران انتشارات علمی و فرهنگی، 1378 ش.

به پیشرفت و ارتقای انسان در عرصه‌های گوناگون زندگی و مظاهر آن مربوط می‌شود؛ و نیز آنچه راه را برای زندگی شایسته و کریمانه‌ی انسانی، همراه با رعایت جنبه‌های روحی و جسمی، هموار می‌سازد⁽¹³⁾.

بخش اول: پیشرفت جوامع و تمدن‌ها در روشنی قرآن کریم⁽¹⁴⁾

خداوند متعال انسان را بر دیگر مخلوقات برتری بخشیده و او را در زمین خلیفه قرار داده است تا بر اساس خواست الهی در آبادانی آن بکوشد. خداوند او را به عقل کرامت بخشید تا به وسیله‌ی آن امور خود را سامان دهد، از آسیب‌ها دوری کند، به دانش‌ها و معارف دست یابد و در نتیجه، در روش‌های زندگی و ساخت جوامع و تمدن خود پیشرفت نماید⁽¹⁵⁾.
چنان که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء ۷۰]

ترجمه

و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

علامه ابن عاشور⁽¹⁶⁾ در تفسیر این آیه می‌گوید:

«این آیه پنج نعمت را دربر دارد کرامت، تسخیر خشکی، تسخیر دریا، روزی دادن و برتری دادن به عقل.»⁽¹⁷⁾

پیشرفت اجتماع و تمدن مورد نظر قرآن کریم، دارای عواملی روشن است که به روح و جسم، فرد و جامعه، حکومت و ارزش‌ها، اقتصاد و جغرافیا مربوط می‌شود.

برای تحقق یک نهضت اجتماعی و تمدنی، وجود نیرویی محرک ضروری است که انسان را به سوی هدف خود در مسیر آبادانی و سازندگی به حرکت درآورد.

¹³ - حَبْنَكَة میدانی، عبد الرحمن بن حسن. (1998). الحضارة الإسلامية أسسها ووسائلها وصور من تطبيقات المسلمين لها ولمحات من تأثيرها في سائر الأمم (ص. 19-20). دمشق دار القلم.

¹⁴ - نگاه میزنازی، ع. الرزاق. (2022 م). التقدّم الحضاري وتراجع في ضوء القرآن الكريم. مجلة رواء، (13)، ص 55-59. رجب 1443 هـ / فبرایر 2022 م.

¹⁵ - التحرير والتنوير، ابن عاشور، ج 15، ص 167.

¹⁶ - علامه ابن عاشور (۱۲۹۶ - ۱۳۹۳ هـ = ۱۸۷۹ - ۱۹۷۳ م)

ایشان شیخ محمد الطاهر بن عاشور یکی از برجسته‌ترین عالمان و مصلحان معاصر تونس بود که در خاندان علمی آل عاشور تربیت یافت و از کودکی در محیطی علمی، دینی و اصلاح‌گرا رشد کرد. او تحصیلات خود را در جامع زیتونه گذراند و در حوزه‌های تدریس، قضاوت، افتاء و اصلاح نظام آموزشی نقش محوری ایفا نمود.

علامه ابن عاشور با استفاده از میراث اسلامی و آشنایی با اندیشه‌های اصلاحی شرق و غرب، پروژه‌ای عمیق برای نوسازی آموزش دینی و احیای عقلانیت اسلامی ارائه کرد. آثار و فعالیت‌های او تأثیر ماندگاری بر اندیشه اسلامی معاصر و نهضت اصلاح دینی در تونس برجای گذاشت.

از برجسته‌ترین استادان او می‌توان نام برد شیخ محمد النجار، شیخ سالم بوحاجب، شیخ محمد النخلی، شیخ محمد بن یوسف، شیخ عمر بن عاشور و شیخ صالح الشریف. از آثار علمی اوست مقاصد الشریعة الإسلامية، أصول النظام الاجتماعي في الإسلام، التحرير والتنوير في تفسير القرآن، الوقف وآثاره في الإسلام، أصول الإنشاء والخطابة، موجز البلاغة و آثار دیگر.

شیخ -رحمه الله تعالی- در ۱۲ اگست ۱۹۷۳ در سن ۹۴ سالگی در شهر «المرسی» در پایتخت تونس درگذشت.

منابع

1. ابن عاشور، م. الطاهر. (بدون تاریخ). رائد الفكر الإسلامي الشَّيْخُ مُحَمَّدُ الطَّاهِرُ ابْنُ عَاشُور. تونس.

2. الكلمة الطيبة. (۱۴۱۷هـ/۱۹۹۶م). نشرية الكلمة الطيبة، السنة الأولى، العدد 12. تونس.

3. ابن العزیز، م. (بدون تاریخ). جامع الزيتونة المعلم ورجاله. تونس.

4. ابن عاشور، م. الطاهر. (۱۳۲۱هـ/۱۹۰۷م). أليس الصبح بقريب. تونس.

¹⁷ - ابن عاشور، العلامة. (1984). التحرير والتنوير تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد (ج. 15، ص. 164، با تصرف). تونس الدار التونسية للنشر.

ایمان به خداوند متعال این نیرو را در انسان پدید می‌آورد؛ زیرا انسان از طریق ایمان، علت وجود خود در این جهان و مسئولیت‌هایی را که بر دوش او نهاده شده است درمی‌یابد.

در نتیجه، دلش اصلاح می‌شود و این اصلاح در رفتار و عملکرد او در عرصه‌ی عمران و بنای اجتماع و تمدن بازتاب می‌یابد. مهم‌ترین عوامل ترقی و پیشرفت جوامع و تمدن‌ها قرار ذیل است:

اول - ایمان به خداوند متعال

ایمان به خداوند متعال، اعتقادی جامع و زنده به ذات یکتا و یگانه، صفات کمال و ربوبیت مطلق اوست که تنها در باور ذهنی محدود نمی‌شود، بلکه با معرفت قلبی، تسلیم آگاهانه، خشوع، و التزام عملی به ارزش‌های الهی همراه است؛ ایمانی که انسان را به مسئولیت‌پذیری، اخلاق نیکو، عدالت‌ورزی، تعاون اجتماعی و تلاش سازنده برای رضای الهی سوق و جهش می‌دهد و با پیوند دادن معنویت به عمل، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای مرفه، منسجم و پویا می‌گردد و تمدنی شکوفا را بنا می‌نهد که بر توحید، کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و پیشرفت هم‌زمان مادی و معنوی استوار است.

و یک نهضت اجتماعی و تمدنی بدون نیروی محرک که انسان را در مسیر ساخت‌وساز و پیشرفت به حرکت آورد، ممکن نیست. ایمان به خداوند متعال، این نیروی درونی را در انسان پدید می‌آورد؛ زیرا انسان از رهگذر ایمان، علت وجود خویش در زندگی و مسئولیت‌هایی را که در این عالم بر دوش او نهاده شده است درمی‌یابد. بدین‌سان، دلش اصلاح می‌گردد و این اصلاح در رفتار، کردار و عملکرد او در عرصه‌ی عمران و بنای اجتماع و تمدن بازتاب می‌یابد.

خطاب قرآنی با تعبیر «ایمان» هم تشریف است و هم تکلیف؛

تشریف از آن جهت که ایمان نعمتی بزرگ و الهی است،

و تکلیف از آن رو که این نعمت، مسئولیت‌هایی را به دنبال دارد.

از این‌رو، در قرآن، احکام و وظایف بلافاصله پس از خطاب به مؤمنان بیان می‌شود.

چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ [آل عمران ۵۷]

ترجمه

و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاداش شان را به‌طور کامل به آنان خواهد داد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.

پس ایمان و عمل صالح با هم عطف بوده و از همدیگر جدا نیست؛ و هیچ اجتماعی و تمدنی بدون عمل صالح قابل تصور نمی‌باشد.

اهمیت ایمان به خداوند در پیشرفت جوامع و تمدن‌ها در چند جهت آشکار می‌گردد:

1. ایمان، انسان را بر آن وا می‌دارد که با انگیزه‌ی شناخت حقیقت هستی و هدف زندگی، تلاش و کوشش خود را به کار بندد؛ زیرا او می‌داند که جانشین خدا در زمین است و مأمور آبادانی آن می‌باشد^(۱۸). چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ [یونس ۱۴]

¹⁸ - الجبوري، عوض جدوع احمد. (2016 م). الإيمان وأثره في تحقيق النهضة الحضارية (ص. 9). كلية العلوم الإسلامية، جامعة بغداد.

ترجمه

سپس شما را پس از آنان جانشینان در زمین قرار دادیم تا بنگریم چگونه عمل می کنید.

2. ایمان، به هر اجتماع و تمدنی ویژگی و هویتی می بخشد که بر پایه‌ی باورهای اعتقادی آن شکل می گیرد و سیمای خاص خود را در عرصه‌های گوناگون، اعم از عمران، علم، و فرهنگ، می یابد.

3. هر اجتماع و تمدنی تا زمانی پایدار و ماندگار است که بر اساس عقیده و ایمان خویش استوار بماند؛ هرگاه از ایمان جدا شود، رو به زوال می رود.

5. ایمان به خداوند، انسان صالحی را پدید می آورد که آبادانی جهان را رسالت خود می داند و در آن، خیر و صلاح دنیا و آخرت خویش را می جوید.

ایمان، حقیقتی است که در دل جای می گیرد و با محبت خدا و رسولش همراه است و در عمل، صدق و راستی آن آشکار می شود.

از این رو، اعتقاد و عمل در یکدیگر تکامل می یابند، و ایمان به نیروی اصلی و محرک فرد و جامعه در مسیر اجتماع و تمدن سازی در همه‌ی عرصه‌های فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل می شود.

دوم: علم (دانش)

دومین عامل پیشرفت و ترقی جوامع و تمدن ها علم و دانش است، پس علم و دانش به معنای درک عمیق، آگاهانه و هدفمند واقعیت ها و حقایق هستی است که فراتر از ذخیره سازی معلومات، به فهم، یقین و پیوند منطقی میان پدیده‌ها می انجامد و از برجسته ترین ویژگی های انسانی به شمار می رود؛ دانشی که چراغ عقل است و انسان را از جهل و خرافات رهایی می بخشد و او را قادر می سازد تا با شناخت علل و قوانین حاکم بر جهان، مشکلات فردی و اجتماعی را حل کند، کیفیت زندگی را بهبود بخشد و مسیر پیشرفت مادی و معنوی را هموار سازد. علم، انجن محرک توسعه و بنیان تمدن هاست و با گسترش تکنالوژی، نظم بخشی اجتماع، تقویت اخلاق و ارتقای معنویت، زمینه ساز شکل گیری جامعه‌ای آگاه، پویا و مرفه می گردد؛ جامعه‌ای که بر پایه عقل و خرد، مسئولیت پذیری و خدمت به انسان استوار بوده و تمدنی شکوفا و پایدار را رقم می زند.

و قرآن کریم از آغاز نزولش، محبت و ارزش علم سودمند را - چه در عرصه‌ی علوم دینی و چه در عرصه‌ی علوم طبیعی - در دل مسلمانان کاشت. نخستین آیه‌ای که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد، به علم اختصاص داشت و فرمان به خواندن و آموختن با قلم می داد، چنان که خداوند متعال فرمود:

(أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أقرأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) [العلق 1-5]

ترجمه

بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید، بخوان، و پروردگار تو کریم ترین است، همان که با قلم آموزش داد، و به انسان آنچه را نمی دانست آموخت.

آیات فراوانی در قرآن، مردم را به علم دعوت کرده و جایگاه اهل علم را در دنیا بالا برده است. خداوند متعال می فرماید:

﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [المجادلة ۱۱]

ترجمه

خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده و کسانی را که به آنان علم داده شده است، درجاتی رفعت می بخشد، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

در واقع این آیه کریمه، به روشنی اهمیت علم در اسلام و ارتقای مقام انسان دانشمند را نشان می دهد. خداوند کسانی را که دانش و معرفت دارند، به درجات بالا می رساند، زیرا علم وسیله ای برای شناخت حقایق، تمیز خیر از شر و رشد معنوی است و در سایه آن فرد شایسته احترام، مسئولیت و تاثیرگذاری در جامعه می گردد. بدین ترتیب، اسلام علم را نه تنها ابزار فردی، بلکه کلیدی برای ارتقای شأن اجتماعی و تمدنی انسان ها می داند.

همچنین دستور به افزونی علم داده است، چنان که خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ [طه ۱۱۴]

ترجمه

و بگو پروردگارا، بر دانش من بیفزای.

قرآن کریم تنها به تشویق به علم بسنده نکرده، بلکه انسان را به بهره گیری از ابزارهایی که او را به علم می رسانند، فرمان داده است تا عقل انسان نظم و تعادل یابد. از این رو، به تفکر، تدبر و تأمل در آیات آفاقی و انفس دعوت کرده است. چنان که خداوند متعال می فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ﴾ [السجدة ۲۷]

ترجمه

آیا ندیده اند که ما آب را به سوی زمین خشک می رانیم و به وسیله ای آن زراعتی می رویانیم که هم چهارپایان شان و هم خودشان از آن می خورند؟ آیا باز هم نمی بینند؟

در قرآن بیش از هزار آیه به مسائل علمی، هستی / کونی اشاره دارد؛ از توصیف دقیق پدیده های طبیعی گرفته تا علوم نباتات شناسی، زمین شناسی، انسان شناسی، حیوان شناسی و زبان شناسی.

تدبر کن در سخن خداوند متعال:

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ * وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ [الذاریات ۲۰-۲۱]

ترجمه

و در زمین آیاتی است برای اهل یقین، و در وجود خود شما نیز، آیا نمی بینید؟

علامه ابن کثیر^(۱۹) در تفسیر این آیات می گوید:

¹⁹ - علامه ابن کثیر (۷۰۱ - ۷۷۴ هـ = ۱۳۰۲ - ۱۳۷۳ م)

ایشان اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضو بن کثیر، معروف به ابوالفداء، بصری سنی دمشقی شافعی است که با نام مشهور ابن کثیر شناخته می شود. او مفسر، محدث، فقیه و حافظ بزرگ بود. علامه عینی و علامه ابن حبیب درباره او گفته اند او پیشوای عالمان و حافظان، و تکیه گاه اهل معانی و الفاظ بود. شنید، جمع کرد، نوشت، تدریس نمود و تألیف های فراوانی داشت. ابن کثیر آگاهی گسترده ای در حدیث، تفسیر و تاریخ داشت و به دقت و تحقیق شناخته می شد، و ریاست علمی تاریخ، حدیث و تفسیر در زمانش به او ختم شده بود.

از آثار ایشان ۱ - البدایة والنهایة، ۲ - تفسیر القرآن العظیم، ۳ - الباعث الحثیث إلى معرفة علوم الحدیث

منابع

أ. الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان. (1998). تذكرة الحفاظ (دراسة وتحقیق زكريا عميرات، الطبعة الأولى، ج. 1، ص. 38). بيروت، لبنان دار الكتب العلمية. من

المكتبة الرقمية <http://www.raqamiya.org>.

«در زمین نشانه‌هایی است که بر عظمت و قدرت خالق آن دلالت دارد؛ از انواع گیاهان و حیوانات، دشت‌ها و کوه‌ها، بیابان‌ها و رودها و دریاها، و نیز اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های مردم و تفاوت اراده‌ها، نیروها، عقل‌ها و فهم‌ها، حرکات و سرنوشت‌ها، و در ساختار بدن انسان حکمتی نهفته است که هر عضوی در جایگاهی دقیق و مورد نیاز قرار گرفته است؛ از این رو خداوند متعال فرمود ﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾»⁽²⁰⁾

تاریخ جوامع و تمدن‌ها گواه است که هرگاه ملتی - فارغ از مسلمان بودن و غیر مسلمان بودن - به علم اهمیت داده، بر پیشرفت و تعالی آنها افزوده شده است. چنین بود حال مسلمانان، که هنگامی که شرق و غرب در تاریکی جهل و آشفتگی می‌زیستند، بزرگ‌ترین اجتماع و تمدن انسانی را بنا نهادند.

اهمیت علم در پیشرفت جوامع و تمدن‌ها در موارد زیر آشکار است:

1. هرچه دانش انسان و آگاهی او افزون‌تر شود، بهتر می‌تواند از نعمت‌ها و امکانات مسخر در این جهان بهره‌گیرد؛ در نتیجه، بنای تمدنی در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند رونق می‌یابد. هر اندازه علم گسترش یابد، سهم انسان در خدمت به بشریت و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون زندگی بیشتر می‌شود⁽²¹⁾.

2. اساس هر اجتماع و تمدنی، علم مفید است و بدون آن اجتماع و تمدنی شکل نمی‌گیرد. هیچ جامعه‌ای به برتری، خلاقیت و شکوه نمی‌رسد مگر با علم؛ زیرا هر قدر علوم طبیعی و تجربی توسعه یابد، اجتماع و تمدن متأثر از آن ارتقا می‌یابد. از همین رو، خداوند متعال دستور داده است:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾

[الأنفال ۶۰]

ترجمه

و در برابر آنان تا آنجا که می‌توانید نیرو و اسب‌های آماده فراهم کنید تا با آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید، و دیگرانی را جز آنان که شما نمی‌شناسید ولی خدا آنان را می‌شناسد.

طوری می‌دانید این آیه کریمه لزوم آمادگی و توانمندی در برابر تهدیدها و دشمنان را بیان می‌کند. خداوند مسلمانان را به تجهیز هرچه بیشتر نیرو، توان و امکانات بازدارنده، از جمله قدرت نظامی و مهارت‌های دفاعی، فرا می‌خواند تا هم دشمنان شناخته‌شده و هم کسانی که نمی‌شناسند، از آنها بیمناک شوند. در این آیه نشان می‌دهد که آگاهی، آمادگی و قدرت هماهنگ با تدبیر الهی، نقش کلیدی در امنیت فردی و اجتماعی و حفظ جامعه و تمدن دارد، چرا که خداوند از همه امور آگاه است و امنیت واقعی در سایه آمادگی و اعتماد به هدایت او تحقق می‌یابد.

3. علم، مشکلاتی را که در مسیر پیشرفت هر جامعه و تمدنی پدید می‌آید، برطرف و موانع را هموار می‌کند.

ب. ابن العماد العکری الحنبلی، عبد الحی بن أحمد بن محمد أبو الفلاح. (1986). شذرات الذهب فی أخبار من ذهب (تحقیق محمود الأرناؤوط، خرج أحادیثه عبد القادر الأرناؤوط، الطبعة الأولى، ج. 6، ص. 231). دمشق-بیروت دار ابن کثیر.

ج. الزرکلی الدمشقی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس. (2002). الأعلام (الطبعة الخامسة عشر، ج. 1، ص. 320). بیروت دار العلم للملایین.

²⁰ - ابن کثیر، إسماعیل بن عمر. (1999). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق سامی بن محمد السلامة، الطبعة الثانية، ج. 7، ص. 417). الریاض دار طیبیة للنشر والتوزیع.

²¹ - بدوی، عمار توفیق أحمد. (2014 م). مقومات الحضارة وعوامل أفلوها من منظور القرآن الکریم (ص. 34-37). الریاض مرکز الدراسات الإسلامية والمخطوطات والإفتاء، أكاديمية القاسمی.

۴. تاریخ جوامع و تمدن‌ها به روشنی نشان می‌دهد که هرگاه ملتی به علم اهتمام ورزیده، به همان اندازه درخشش یافته است؛ همان‌گونه که مسلمانان با برپایی نهاد های علمی، تأسیس صنایع، ایجاد شفاخانه ها و ابداع روش های علمی، شکوه مندترین اجتماع و تمدن تاریخ بشری را پدید آوردند، در حالی که شرق و غرب در تاریکی جهل و بی نظمی فرو رفته بودند.

سوم: عدالت

سومین عامل توسعه و پیشرفت جوامع و تمدن ها تطبیق عدالت است، پس عدالت به معنای «دادن حق هر کس به او، رعایت درستی، انصاف و میانه روی» است و نقش بنیادی در اعتلای جامعه و توسعه تمدن دارد. رعایت عدالت با تضمین حقوق همه، برابری فرصت‌ها، رفع تبعیض و ایجاد نظم، زمینه پیشرفت، شکوفایی و تکامل اجتماعی و فردی را فراهم می‌کند. اجرای عدالت از ظلم جلوگیری کرده و هر فرد را در رسیدن به شایستگی های خود یاری می‌دهد، همچنین مشارکت فعال او در ساخت جامعه ای پویا و تمدنی مرفه و پایدار را ممکن می‌سازد.

عدالت، ترازوی تضمین کننده ی تداوم و استمرار رشد اجتماع و تمدن، وهمچنان یکی از ضرورت های اساسی آنها است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ [الحديد ۲۵]

ترجمه

به راستی پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب و ترازویی قرار دادیم تا مردم بر اساس عدالت استوار کنند.

در واقع این آیه کریمه به روشنی هدف رسالت پیامبران و وحی الهی را برقراری عدالت در اجتماع بیان می‌کند. خداوند متعال با فرستادن پیامبران - علیهم السلام - همراه با دلایل روشن، کتاب و معیار سنجش (میزان)، بشر را به رعایت قسط و انصاف هدایت کرده است تا حقوق افراد محفوظ بماند، تبعیض و ظلم کاهش یابد و نظم اجتماعی برقرار شود. پس قسط همان عدالت است و عدالت، اساس و ستون زندگی و دوام جامعه و تمدن است. جامعه و تمدنی که بر عدالت بنا نشود، سرانجامش نابودی است. رویدادهای تاریخی به روشنی نشان می‌دهند که هلاکت جوامع و فروپاشی تمدن‌ها نتیجه ی ظلم و ستم است. چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الأنعام ۴۷]

ترجمه

آیا جز قوم ستمگر، دیگری هلاک می‌شود؟

بدون شک این آیه کریمه، به وضوح عاقبت ظلم و بی عدالتی را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که فساد و ستم در جامعه، چه در سطح فردی و چه جمعی، سرانجام به نابودی و شکست می‌انجامد. از این منظر، رعایت عدالت و پرهیز از ظلم نه تنها ارزش اخلاقی داشته، بلکه ضرورتی برای بقای جامعه و استقرار نظم اجتماع، پیشرفت و شکوفایی تمدن است؛ چرا جوامعی که عدالت در آنها حاکم باشد، از فساد، تبعیض و نابودی مصون می‌مانند و مسیر تعالی و توسعه پایدار را می‌پیمایند.

عدالتی که قرآن کریم دستور آن را داده، عدالتی مطلق و جامع است؛ شامل فعل و قول، دوست و دشمن، نزدیک و دور. عدالت، کاربرد عملی خود را در رفتار انسان نشان می‌دهد و تمامی جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [المائدة ۸]

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام‌کنندگان برای خدا و گواه بر عدالت باشید، و مبادا کینه‌ی قومی شما را از عدالت بازدارد؛ عدالت را رعایت کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا کنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. این آیه کریمه، نیز بر اهمیت عدالت و بی‌طرفی حتی در مواجهه با دشمنان یا کسانی که مورد دشمنی هستند تأکید کرده و گواه است. طوری که خداوند مؤمنان را به قضاوت و شهادت بر پایه انصاف و عدالت محوری فرا می‌خواند و هشدار می‌دهد که دشمنی و کینه نباید مانع اجرای عدالت شود. همچنین این آیه نشان می‌دهد که عدالت پایه ثبات اجتماعی و اخلاقی جامعه و محور پیشرفت فردی و تمدنی است و رعایت آن، نشانه تقوا و آگاهی از اعمال انسان در برابر خداوند متعال است. طوری که علامه ابن کثیر می‌فرماید «خداوند بندگان مؤمن خود را فرمان می‌دهد که قوام به قسط باشند؛ یعنی به عدالت پایبند باشند و از آن به راست یا چپ انحراف نکنند، هیچ سرزنشگری آنان را از عدالت باز ندارد و با هم در آن همکاری و یاری رسانند.»⁽²²⁾

آیات قرآن، عدالت را به‌عنوان ارزش اجتماعی پایه‌گذاری کرده‌اند که توان خلاقیت انسانی را برای آبادانی اجتماع و تمدن شکوفا می‌کند، چرخ زندگی را به حرکت در می‌آورد و تعلق انسان به جامعه و ملت را تقویت می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل ۹۰]

ترجمه

خداوند به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از فحشا، منکر و ستم باز می‌دارد و شما را پند می‌دهد، شاید متذکر شوید.

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنه می‌گفت:

﴿مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ أَجْمَعُ لِلْخَيْرِ وَالشَّرِّ مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ﴾⁽²³⁾

ترجمه

«در قرآن هیچ آیه‌ای جمع خیر و شر را به اندازه‌ی این آیه ندارد.»

بلی این فهم درست است، زیرا همه‌ی خیر تحت عدالت و احسان است و همه‌ی شر شامل «فحشا و منکر و بغی» می‌شود.

²² - ابن کثیر، إسماعیل بن عمر. (1999). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق سامی بن محمد السلامة، الطبعة الثانية، ج 2، ص 433). الرياض دار طيبة للنشر والتوزيع.

²³ - الحاكم النيسابوري، أبو عبد الله محمد بن عبد الله. (2018). المستدرک علی الصحیحین (تحقیق عادل مرشد، ج 1، 4، 7 بالاشتراك، ج 9؛ د أحمد برهوم، ج 2؛ د محمد کامل قره بلی، ج 3، 5، 6؛ د سعید اللحام، ج 7 بالاشتراك، 8؛ الطبعة الأولى، ص. 3416). بيروت دار الرسالة العالمية.

مسلمانان امروز از اخلاص، ایمان و حساسیت نسبت به تثبیت دین خدا بهره‌مندند؛ چیزی که نیاز دارند، درک درست از قوانین و سنن کیهانی است تا در مسیر اجتماع و تمدن پیشرفت کنند و به شکوه گذشته خود بازگردند و همه‌ی بشریت از آن بهره‌مند شود.

چهارم: رعایت سنن کونی

چهارمین عامل پیشرفت و ترقی جوامع و تمدن رعایت نمودن سنن کونی است، پس سنن کونی به مجموعه قوانین حقیقی، ثابت و تغییرناپذیری گفته می‌شود که خداوند بر نظام طبیعت و حیات اجتماعی بشر حاکم ساخته و بر اساس رابطه علی و معلولی، سرنوشت جوامع و تمدن‌ها را رقم می‌زند. رعایت این سنن به معنای شناخت و هماهنگ‌سازی رفتارها، ساختارها و برنامه‌ریزی‌های فردی و اجتماعی با قوانین حاکم بر طبیعت، جامعه و تاریخ است؛ قوانینی که از یک سو پیشرفت علمی و تکنالوژیک را ممکن می‌سازد و از سوی دیگر، بر عدالت، اخلاق، همکاری و امنیت اجتماعی تأکید دارد.

جوامعی که این سنن الهی را درک کرده و در عمل به کار می‌گیرند، به پیشرفت پایدار، ثبات، آرامش و کارآمدی در مدیریت اجتماعی دست می‌یابند و زمینه شکوفایی تمدنی را فراهم می‌کنند، در حالی که نادیده گرفتن این قوانین، به ناکارآمدی، بی‌نظمی و در نهایت انحطاط و سقوط جوامع و تمدن‌ها می‌انجامد.

بر این اساس خداوند برای این جهان سنی مقرر کرده که بر همه چیز جاری است و قوانین دقیق و منظم و بدون نقص در آن برقرار است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [النمل ۸۸]

ترجمه

آفرینش خداست که همه چیز را به‌نحو احسن آفریده است؛ او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

این آیه کریمه، بر وجود نظم، دقت و قانون‌مندی کامل در آفرینش دلالت دارد و نشان می‌دهد که جهان بر اساس سنن ثابت و حکیمانه الهی استوار است.

این نظم الهی الگویی برای نظم بخشی را به اجتماع و جامعه انسانی فراهم شده؛ به‌گونه‌ای که هر تمدن پایدار زمانی شکل می‌گیرد که ساختارهای اجتماعی و روابط انسانی با این نظم، اتقان و حکمت هماهنگ باشد. از این رو، فهم و رعایت این سنن الهی، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای منظم، کارآمد و تمدنی شکوفا و ماندگار خواهد بود.

سنن کونی ثابت و تغییرناپذیرند و کسی را ترجیح نمی‌دهند:

﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب ۶۲]

ترجمه

سنن خداوند در گذشتگان چنین بود و برای سنن خداوند هیچ تغییری نخواهی یافت.

هیچ کس نمی‌تواند سنن الهی را که برای ملل مقرر شده، تغییر دهد و در این جهان، قانون الهی بدون تبعیض بین مؤمن و کافر عمل می‌کند؛ هر کس عمل کند، موفق و پیروز می‌شود و زمین را آباد می‌سازد:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نَوْفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾ [هود ۱۵]

ترجمه

کسی که زندگی دنیوی و زینت آن را می‌طلبد، اعمالش را در آن به‌طور کامل به او باز می‌گردانیم و چیزی از آن کم نمی‌شود.

این آیه شریفه چشم‌انداز بسیار مهمی درباره رشد و پیشرفت جوامع و تمدن‌ها ارائه می‌دهد، طوری که پویایی و تعالی یک جامعه، وابسته به تلاش مشروع، مسئولانه و هدفمند مردم در عرصه‌های مختلف زندگی است. وقتی انسان‌ها در مسیر کار، تولید، عدالت اقتصادی و استفاده صحیح از منابع گام برمی‌دارند، تلاش‌هایشان به خود و جامعه باز می‌گردد و موجب پیشرفت جمعی و شکوفایی تمدن می‌شود.

وجه استدلال این آیه بر اساس اصول قرآن کریم این است که توسعه دنیوی و مادی، هنگامی پایدار و ارزشمند است که با اخلاق، عدالت و رعایت حق دیگران همراه باشد؛ هر جامعه‌ای که مردمش با جدیت، تلاش و استفاده درست از نعمت‌ها در چارچوب مسئولیت اجتماعی حرکت کنند، نه تنها دچار فساد و عقب‌ماندگی نمی‌شود، بلکه مسیر ترقی و شکوفایی مستمر را طی می‌کند. به بیان دیگر، این آیه پیام روشنی برای تمدن‌ها دارد تلاش انسانی و استفاده درست از فرصت‌ها، موتور پیشرفت جوامع است و هیچ عملی که در مسیر درست و مشروع انجام شود، بی‌ثمر نخواهد ماند.

پس مسلمانان امروز دارای اخلاص، ایمان و انگیزه‌ی قوی برای تثبیت دین خدا هستند، اما نیازمند درک درست از سنن هستی‌اند تا در مسیر اجتماع و تمدن پیشرفت کنند و به شکوه گذشته خود بازگردند، تا همه‌ی بشریت از آن بهره‌مند گردد.

پنجم: رعایت سنن متعدد و تحول درونی

پنجمین عامل پیشرفت و ترقی جوامع و تمدن‌ها رعایت سنن متعدد و تحول درونی است، پس رعایت سنن الهی و قوانین ثابت حاکم بر حیات انسانی، اساس فهم تحولات اجتماعی و پیدایش تمدن‌ها را تشکیل می‌دهد؛ زیرا حرکت تاریخ و سرنوشت جوامع بر پایه قواعدی استوار است که بی‌توجهی به آنها موجب رکود و انحطاط، و التزام به آنها سبب رشد و شکوفایی می‌گردد.

در میان این سنن، تحول درونی انسان جایگاهی محوری دارد، چراکه هر دگرگونی پایدار اجتماعی از اصلاح اندیشه، ایمان، اخلاق و رفتار افراد آغاز می‌شود و تا این تغییر درونی تحقق نیابد، بهبود واقعی در وضعیت جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود.

در کنار آن، سنت تدافع بیانگر پویایی همیشگی زندگی اجتماعی است؛ به این معنا که حفظ نظم، عدالت و سلامت اجتماع نیازمند تلاش مستمر، مقاومت آگاهانه و مقابله با عوامل فساد و انحراف است. بدین‌سان، پیوند میان خودسازی فردی و پویایی اجتماعی، چارچوبی بنیادین برای شکل‌گیری جامعه‌ای منظم و تمدنی پایدار فراهم می‌آورد و مقدمه‌ای اساسی برای بررسی نقش سنن الهی در اعتلای جوامع به شمار می‌رود.

پس سنن الهی که قرآن کریم از آن‌ها تذکر داده و باید رعایت شوند، بسیار بوده و قرار آتی به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم داشت

1. سنت تغییر (تحول نفس)

این تغییر از درون انسان آغاز می‌شود و پایه و اساس ساخت جامعه و تمدن است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ [الرعد ۱۱]

ترجمه

خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که خود آن‌ها آنچه در درونشان است تغییر دهند.

این آیه کریمه بیانگر یک قانون قطعی در حیات جامعه و اجتماع انسانی و مسیر شکل‌گیری یا فروپاشی تمدن‌ها است؛ بدین معنا که هرگونه دگرگونی پایدار در وضعیت اجتماعی و تمدنی، وابسته به تحول درونی افراد یک جامعه در سطح اندیشه، ایمان، اخلاق و رفتار است.

و همچنین این آیه کریمه تأکید می‌کند که پیشرفت، ثبات یا انحطاط اجتماع و تمدن امری تصادفی نیست، بلکه نتیجه مستقیم مسئولیت‌پذیری انسان‌ها و اصلاح یا فساد درونی آنان است، از این رو خودسازی فردی، زیربنای اساسی اصلاح جامعه و شکوفایی تمدن به‌شمار می‌رود.

آن چنان که علامه سعدی⁽²⁴⁾ در تفسیر این آیه چنین تعبیر می‌کند

«این آیه شامل نعمت، احسان و رفاه زندگی است؛ تا زمانی که مردم از ایمان به کفر یا از طاعت به معصیت یا از شکر نعم به کفر عبور نکنند، خداوند آن‌ها را دستخوش تغییر نمی‌کند. همین‌طور اگر انسان‌ها از معصیت به طاعت خدا روی آورند، خداوند شرایط آنان را از شقاوت به خیر، شادی و رحمت تغییر می‌دهد.»⁽²⁵⁾

2. سنت تدافع (مبارزه و تلاش در راه حق)

مبارزه میان حق و باطل تا قیام قیامت ادامه دارد، و غالباً کسانی موفق‌اند که با رعایت ابزار و اسباب لازم امت خود را محافظت کنند. این اسباب به تمدن می‌انجامد یا آن را حفظ می‌کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾ [البقرة ۲۵۱]

ترجمه

و اگر خداوند مردم را به وسیله‌ی یکدیگر باز نمی‌داشت، زمین فساد می‌گرفت.

این آیه کریمه، سنت تدافع را به‌عنوان قانونی همیشگی در حیات جامعه و اجتماع انسانی و مسیر تداوم یا زوال تمدن‌ها معرفی می‌کند؛ بدین معنا که پویایی تاریخ و سلامت اجتماع، در گرو وجود توازن مبتنی بر تلاش، مقاومت و مقابله آگاهانه

²⁴ - علامه سَعْدِي (1307-1376 هـ / 1890-1956 م)

ایشان عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي التميمي از مفسران و علمای حنبلی اهل نجد بود که در عنيزة (القصيم) متولد شد و در همان‌جا وفات یافت. او نخستین کتابخانه را در عنيزة در سال 1358 هـ تأسیس کرد و بیش از 30 اثر تألیف نمود، که حدود 23 اثر آن به چاپ رسید و باقی مانده به صورت نسخه‌های خطی باقی مانده است. آثار چاپ‌شده او شامل تفاسیر قرآن مانند تیسیر الکریم المنان في تفسير القرآن، تیسیر اللطيف المنان في خلاصة مقاصد القرآن، آثار فقهی مانند القواعد والأصول الجامعة و آثار شرح و خطابه مانند الدرّة البهیة و الخطب المنبرية است. پس از وفات او، کتاب سيرة العلامة الشيخ عبد الرحمن الناصر السعدي توسط شاگردانش منتشر شد. این آثار نشان‌دهنده نقش برجسته السعدي در تفسیر قرآن، فقه و اصلاح علوم اسلامی در نجد است.

منبع

الزركلي، خير الدين (2002). الأعلام (چاپ 15، ج 3، ص 340). دار العلم للملايين.

برای معلومات بیشتر به منابع ذیل مراجعه کنید

مجلة المنهل، 373 17. مجلة الحج، 95 12. جريدة البمامة، 1377/2/13 هـ. نشرة دار الكتب، 49 ص. 13. صالح العبدلي، جريدة البلاد، جده، 1378/7/24 هـ. مجلة العرب، 6 869 و 690، محرم 1394 هـ، ص. 55. مشاهير علماء نجد، ص. 392-397.

²⁵ - السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله (2000). تيسير الکریم الرحمن في تفسير كلام المنان (تحقيق عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الطبعة الأولى، ص. 479). بيروت مؤسسة الرسالة.

میان حق و باطل است.

در واقع سنت تدافع مانع غلبه فساد می شود و به جامعه امکان می دهد با به کارگیری اسباب مشروع، از ارزش ها، امنیت و هویت خویش پاسداری کند. در پرتو این سنت، تمدن ها نه با انفعال، بلکه با آمادگی، مسئولیت پذیری و تلاش مستمر حفظ می شوند و اجتماع انسانی می تواند مسیر رشد، نظم و شکوفایی پایدار را ادامه دهد.

ششم: همکاری و همبستگی اجتماعی

ششمین عامل توسعه جوامع و پیشرفت تمدن ها همکاری و همبستگی اجتماعی است، پس این عامل به مثابه روح زنده ای است که کالبد جامعه و اجتماع انسانی را به حرکت درمی آورد و مسیر شکل گیری و پایداری تمدن ها را هموار می سازد؛ زیرا هنگامی که افراد یک جامعه بر پایه ارزش ها، احساسات و اهداف مشترک به یکدیگر پیوند می خورند، اعتماد، مسئولیت پذیری و مشارکت عمومی تقویت می شود و ظرفیت های نهفته انسانی مجال بروز می یابد.

این هم پیوندی و همکاری آگاهانه، با تبدیل تلاش های پراکنده به فعالیت جمعی، زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم می کند، نظم و ثبات اجتماعی را استحکام می بخشد و از تفرقه و فروپاشی جلوگیری می نماید. در چنین بستری، هویت جمعی / اجتماعی شکل می گیرد، روحیه همدلی و نوع دوستی گسترش می یابد و جامعه توان آن را می یابد که به سوی رشد پایدار و تمدنی شکوفا و ماندگار گام بردارد؛ در حالی که فقدان همبستگی و همکاری، جامعه را به رکود و انحطاط اجتماعی و تمدنی سوق می دهد.

پس قرآن کریم همکاری و همدلی اجتماعی را از ضرورت های هر جامعه و تمدن می داند؛ طوری هیچ اجتماع و تمدنی بدون این اصل محقق نمی شود. در جامعه ای که همکاری و همبستگی وجود داشته باشد، ثبات و پیشرفت حاصل می شود و همراه با عوامل پیشین، به ارتقای جامعه و تمدن منجر می گردد:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [المائدة ۲]

ترجمه

و در نیکی و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و ستم همکاری نکنید، و از خدا پروا کنید که خداوند شدید العقاب است.

این آیه کریمه بر اهمیت همکاری و همبستگی اجتماعی در مسیر خیر و تقوا تأکید می کند و جامعه را به مشارکت فعال در راه نیک فرا می خواند، در حالی که همکاری در ظلم و فساد را منع می نماید. بدین معنا که رشد پایدار هر جامعه و تمدن تنها در سایه اتحاد، تعاون و عمل جمعی توأم با اخلاق، عدالت و ارزش های الهی ممکن است و هرگونه تفرقه یا همکاری در مسیر فساد، نه تنها انسجام اجتماعی را تهدید می کند، بلکه مسیر تعالی اجتماع و تمدن را مختل می سازد. این آیه کریمه، همبستگی آگاهانه و مسئولانه را زیربنای توسعه، ثبات و شکوفایی جامعه و تمدن معرفی می کند.

پس همکاری در هر اجتماع و تمدنی جایگاه بلندی دارد؛ زیرا انسان ها به یکدیگر نیازمندند و یکدیگر را تکمیل می کنند. طوری که علامه ابن خلدون بیان می کند که عمران و آبادانی تنها بر پایه همکاری ممکن است؛ کارهای مردم در شهرها با هم مرتبط است و هر گروهی در بخشی تخصص دارد و آن را انجام می دهد⁽²⁶⁾.

²⁶ - ابن خلدون أبو زید، ولي الدين الحضرمي الإشبيلي، عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن محمد. (1988). ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر (المحقق خليل شحادة، الطبعة الثانية، ج. 1، ص. 472). بيروت دار الفكر.

فواید همکاری عبارت‌اند از:

آسان کردن کارها، تأمین منافع، نمایش اتحاد و یاری رساندن، تا این رفتار به خصیصه‌ای اخلاقی برای ملت تبدیل شود.

هفتم: توجه به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی

هفتمین عامل پیشرفت جوامع و ترقی تمدن‌ها توجه به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی است طوری که این عامل، همچون نیروی زندگی‌بخش و راهنمای حرکت جامعه و اجتماع انسانی، ستون‌های استوار تمدن را شکل می‌دهند و مسیر رشد و پایداری آن را هموار می‌سازند. این ارزش‌ها با تعیین چارچوب‌های اخلاقی و رفتاری، اعتماد، همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه را تقویت می‌کنند و زمینه مشارکت فعال، خلاقیت و پیشرفت جمعی را فراهم می‌آورند. جامعه‌ای که رفتار و تصمیماتش بر پایه فضایل اخلاقی و ارزش‌های مشترک بنا شده باشد، تعارضات را کاهش می‌دهد، نظم و انسجام را حفظ می‌کند و هویت جمعی و تعلق اجتماعی را تقویت می‌کند. چنین جامعه‌ای با بهره‌گیری از عدالت، صداقت، علم، تلاش و احترام به محیط زیست، توسعه پایدار و تمدنی شکوفا را تجربه کرده و کیفیت زندگی تمامی اعضای خود را ارتقا می‌دهد؛ در حالی که فقدان این ارزش‌ها، انسجام اجتماعی را تهدید و مسیر اجتماع و تمدن را به سوی هرج‌ومرج و انحطاط سوق می‌دهد.

پس اجتماع و تمدن بر اساس ارزش‌ها و اصول اخلاقی رشد می‌کند. ارزش‌ها تأثیر شگرفی بر زندگی انسان دارند و رفتار او را به سوی خیر و فضیلت هدایت می‌کنند.

و در قرآن کریم، ارزش‌ها نظامی برای زندگی هستند که فرد و جامعه را به خیر هدایت می‌کند و اصول انسانی برتری را شکل می‌دهد تا انسان به تمدن و اجتماع مرفه و پیشرفته دست یابد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة ۱۷۷]

ترجمه

نیست نیکی آن که روی خود را به سوی شرق و غرب برگردانید، بلکه نیکی آن است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان داشته باشد، و مالی را با وجود علاقه به آن، در راه خویشاوندان، یتیمان، نیازمندان، مسافر، فقرا و آزاد کردن بردگان بدهد، و نماز را برپا دارد، زکات را ادا کند، به عهد خود وفادار باشد وقتی عهد می‌بندند، و در سختی‌ها و گرفتاری‌ها صبر کند، اینان کسانی‌اند که راستگو هستند و آنان پرهیزکارانند.

این آیه کریمه نشان می‌دهد که پیشرفت واقعی جوامع و تمدن‌ها نه در ظاهر عبادت و مناسک، بلکه در ترکیب ایمان راستین، اخلاق نیک، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری فردی تحقق می‌یابد. بر اساس این آیه، نیکی شامل ایمان به خدا و پیامبران، حمایت از خویشاوندان، یتیمان، فقرا و مسافران، آزادسازی بردگان، وفای به عهد، برپایی نماز و پرداخت زکات و صبر در سختی‌هاست. جامعه‌ای که این ارزش‌ها را در رفتارهای فردی و اجتماعی خود جاری سازد، نه تنها از نظر اخلاقی و انسانی تعالی می‌یابد، بلکه پایه‌های تمدن پایدار، اعتماد اجتماعی و پیشرفت اقتصادی و فرهنگی در آن مستحکم می‌شود.

پس این آیه به انسان‌ها دستور می‌دهد که این ارزش‌ها را در نفس و رفتار خود متجلی کنند و در صلح و جنگ، سختی و رفاه، با دوست و دشمن آن‌ها را رعایت کنند. نیکوکاری / برّ صفتی است که خیر و فضیلت را در هر زمان و مکان جمع می‌کند. علما این آیه را از اصول مهم احکام دانسته‌اند، زیرا شامل شانزده قاعده‌ی اساسی است⁽²⁷⁾.

نمونه‌هایی از اهتمام قرآن کریم به ارزش‌ها

1. ارزش رحمت

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء ۱۰۷]

ترجمه

و ما تو را نفرستادیم جز اینکه رحمتی برای جهانیان باشی.

پس این آیه کریمه، ارزش رحمت الهی را به‌عنوان اصولی بنیادین برای هدایت جامعه و اجتماع انسانی و شکل‌گیری تمدن نشان می‌دهد. رحمت بودن رسالت پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم-، الگویی برای همدلی، انصاف، همیاری و مهربانی در روابط اجتماعی است و باعث استحکام پیوندهای انسانی، کاهش ظلم و خشونت و ایجاد فضایی منسجم و پایدار برای رشد فرهنگی، اخلاقی و تمدنی می‌شود. بدین ترتیب، جامعه‌ای که بر پایه رحمت و شفقت اداره شود، زمینه شکوفایی اجتماع و تمدن و توسعه پایدار را تجربه خواهد کرد.

2. ارزش مشورت (شوری)

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [الشوری ۳۸]

ترجمه

و کسانی که به پروردگارش پاسخ گفتند، نماز برپا داشتند و امورشان میان خود مشورت می‌کنند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

این آیه کریمه، بر ارزش مشورت / شوری در اداره جامعه و اجتماع انسانی تأکید دارد و نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری جمعی و تبادل نظر عادلانه، پایه‌ای برای انسجام، مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. مشورت، افراد جامعه را به هم نزدیک می‌کند، از تصمیمات فردی نادرست جلوگیری می‌کند و بستر رشد تمدن را با بهره‌گیری از خرد جمعی، عدالت و همکاری فراهم می‌آورد، به‌گونه‌ای که تصمیمات جمعی، مسیر توسعه پایدار و تعالی اجتماعی را هموار می‌سازد.

3. ارزش برابری و مساوات

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

[الحجرات ۱۳]

²⁷ - الزحيلي، وهبة. (1991). التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج (الطبعة الأولى، ج 1-32، جلد 2، ص 100). دمشق دار الفكر؛ بيروت دار الفكر المعاصر.

ترجمه

ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را به قوم‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

این آیه کریمه، ارزش برابری و مساوات در جامعه و اجتماع انسانی را به وضوح بیان می‌کند و نشان می‌دهد که کرامت و ارزش انسان‌ها نه بر اساس نژاد، جنسیت یا طبقه اجتماعی، بلکه بر پایه تقوا و فضایل اخلاقی سنجیده می‌شود. این نگاه عدالت محور، زمینه ایجاد انسجام، احترام متقابل و همبستگی در میان اعضای جامعه را فراهم می‌آورد و بنیان تمدنی پایدار و شکوفا را می‌سازد؛ جامعه‌ای که در آن افراد با درک برابری، فرصت‌ها و مسئولیت‌های یکسان، مسیر رشد، همکاری و تعالی اجتماعی را هموار می‌کنند.

4. ارزش امانت و وفای به عهد

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ [المؤمنون ۸]

ترجمه

و کسانی که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند.

این آیه کریمه، بر ارزش امانت‌داری و وفای به عهد در جامعه و اجتماع انسانی تأکید دارد و نشان می‌دهد که رعایت امانت‌ها و پیمان‌ها، پایه اعتماد، امنیت و انسجام اجتماعی است. وفای به عهد، روابط میان افراد را مستحکم می‌کند، همکاری و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌نماید و زیربنای تمدنی پایدار و شکوفا را شکل می‌دهد؛ زیرا جامعه‌ای که اعضای آن به مسئولیت‌ها و تعهدات خود وفادار باشند، قادر است مسیر رشد، توسعه و تعالی اجتماعی و تمدنی را با ثبات و اعتماد متقابل طی کند.

5. ارزش احسان به نیازمندان و ضعفاء

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا﴾ [النساء ۳۶]

ترجمه

پروردگار را بپرستید و هیچ چیزی را با او شریک نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید و به خویشاوندان، یتیمان، نیازمندان، همسایه نزدیک، همسایه دور، همراهان در کنار خود، مسافر و کسانی که در اختیار شما هستند نیکی کنید؛ خداوند کسانی را که خودپسند و مغرورند دوست ندارد.

این آیه کریمه، ارزش احسان / نیکی به نیازمندان و ضعفاء در جامعه و اجتماع انسانی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که مهربانی، همدلی و کمک به افراد آسیب پذیر، ستون‌های انسجام اجتماعی و همبستگی جمعی هستند. چنین رفتار اخلاقی، اعتماد و همکاری میان اعضای جامعه را تقویت می‌کند و زمینه رشد تمدن را با تأکید بر عدالت، انصاف و مسئولیت‌پذیری فراهم می‌آورد. جامعه‌ای که به نیازمندان توجه دارد و آنان را در مسیر پیشرفت و شکوفایی همراه می‌سازد، نه تنها انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند، بلکه مسیر تعالی اخلاقی و توسعه پایدار تمدنی را نیز هموار می‌سازد.

6. ارزش امر به معروف و نهی از منکر

خداوند متعال می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [آل عمران ۱۱۰]

ترجمه

شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیرون آمده اید، امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

این آیه کریمه، ارزش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و اجتماع انسانی را به روشنی نشان می دهد و بیان می کند که هدایت اخلاقی و اجتماعی، شاخص فضیلت یک جامعه است. عمل به این ارزش ها موجب تقویت نظم، عدالت، اعتماد و همکاری میان اعضای جامعه می شود و مانع گسترش فساد و رفتارهای مخرب می گردد.

بدین ترتیب، جامعه ای که بر پایه امر به معروف و نهی از منکر حرکت کند، مسیر رشد، انسجام و شکوفایی تمدن خود را هموار ساخته و بنیان توسعه پایدار، اخلاقی و اجتماعی خویش را مستحکم می نماید.

پس همه این آیات نشان می دهند که قرآن کریم بر غرس ارزش ها تأکید دارد؛ زیرا این ارزش ها پایه و اساس ساخت اجتماع انسانی و تمدن هستند.

هشتم - محیط مناسب و منابع اقتصادی

هشتمین عامل پیشرفت و تمدن ها محیط مناسب و منابع اقتصادی قوی است، پس این عامل به منزله شالوده های اساسی رونق جامعه و بالندگی تمدن، جایگاهی تعیین کننده در سیر تکامل اجتماعی انسان دارند؛ محیط مناسب، با دربرگرفتن عناصر طبیعی چون آب گوارا، خاک بارور، اقلیم معتدل و منابع انرژی، و نیز مؤلفه های اجتماعی و بنیادی مانند امنیت پایدار، قانون مداری، ثبات سیاسی و فرهنگ کار و آموختن، زمینه زیست سالم و فعالیت هم آهنگ جمعی را فراهم می سازد. در کنار آن، منابع اقتصادی که شامل منابع طبیعی، سرمایه مادی، نیروی انسانی کارآموده و دانش و تکنالوژی است، توان تولید، آفرینش مازاد، رفاه همگانی و نوآوری را افزایش می دهد.

تواجد این دو عامل، از برآوردن نیازهای نخستین زندگی و پیدایش تخصص و تقسیم کار گرفته تا گسترش زیرساخت ها، شکل گیری نهادهای اجتماعی و اقتصادی و پرورش فرهنگ خلاقیت، راه را برای ارتقای سطح زندگی و گذار از زیست ساده به ساختارهای پیچیده تمدنی هموار می سازد؛ از همین رو، همان گونه که خاک و آب مایه رویدن گیاه اند، محیط مناسب و منابع اقتصادی نیز شرط بنیادی بالندگی پایدار جامعه و شکوفایی تمدن به شمار می آیند.

پس قرآن کریم به اهمیت عوامل طبیعی، جغرافیایی و منابع اقتصادی برای پیشرفت جامعه و تمدن اشاره دارد

خداوند متعال می فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ﴾ [سبأ ۱۵]

ترجمه

به راستی برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه ای بود دو باغ، یکی از راست و دیگری از چپ؛ از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید؛ شهری پاکیزه و پروردگاری آمرزنده.

انسان با استفاده از این منابع می تواند اجتماع و تمدنی پیشرفته بسازد که نیازهای مردم را تأمین کند و زمینه قوام بدن و زندگی انسانی فراهم شود.

طوری که علامه ابن خلدون نیز در مقدمه خود بر اهمیت این عامل تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که عوامل طبیعی و جغرافیایی، از دلایل شکل‌گیری و پیشرفت جامعه و تمدن هستند.

برای مثال، مناطق گرمسیر زندگی و عمران دشواری دارد، در حالی که مناطق معتدل و سرد برای ایجاد جامعه و تمدن مناسب‌ترند، جوامع و تمدن‌ها در این مناطق تمرکز یافته‌اند⁽²⁸⁾.

بنابراین، استفاده صحیح از محیط و منابع اقتصادی، یکی از عوامل اصلی تشکیل و شکوفایی جامعه و تمدن است.

نهم - نظام سیاسی مستقر

نهمین عامل پیشرفت ترقی جوامع و اعتلای تمدن‌ها نظام سیاسی مستقر است که این عامل به‌مثابه چارچوب منسجم ساختارها، قوانین و نهادهایی که اداره و سامان‌دهی حیات جمعی را بر عهده دارند، نقشی بنیادین در بنای جامعه و بالندگی تمدن ایفا می‌کند؛ این نظام با تعیین جایگاه قدرت، تبیین حقوق و مسؤولیت‌های متقابل دولت و شهروندان و تنظیم روابط میان نهادهای حاکمیتی، زمینه‌تثبات پایدار و امنیت عمومی را فراهم می‌سازد.

در پرتو چنین ثباتی، فعالیت‌های اقتصادی رونق می‌یابد، سرمایه‌گذاری و تولید امکان رشد می‌یابد و سیاست‌های سنجیده‌توسعه، مسیر اشتغال و رفاه همگانی را هموار می‌کند. افزون بر آن، نظام سیاسی کارآمد با تضمین عدالت، حفاظت از حقوق شهروندی، هدایت منابع عمومی و حمایت از تعلیم و فرهنگ، انسجام اجتماعی و هویت جمعی را تقویت کرده و بستر لازم برای خلاقیت، نوآوری و پیشرفت علمی را مهیا می‌سازد؛ از این‌رو، نظام سیاسی مستقر را می‌توان شالوده و نقشه‌راه جامعه‌ای دانست که بدون آن، نه نظم اجتماعی استوار می‌ماند و نه تمدنی پویا و پایدار مجال شکل‌گیری و شکوفایی می‌یابد.

پس پیشرفت یک جامعه و تمدن نیازمند نظام سیاسی پایدار است؛ زیرا اجتماع انسانی برای شکل‌گیری هر تمدنی ضروری است. این اجتماع نیازمند حاکمی است که مردم به او مراجعه کنند، مصالح آن‌ها را رعایت کند و احکام شرعی را اجرا کند که باعث صلاح و پیشرفت مردم و عمران جامعه می‌شود⁽²⁹⁾.

خداوند متعال نظام متمکن بر اوضاع و تبدیل شدن خوف به امنیت را نعمتی عظمی خوانده و آن را برای بندگان صالح و نیکو کارش وعده کرده است چنان که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ [النور ۵۵]

ترجمه

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین (دارای حاکمیت) گرداند، همان‌گونه که پیشینیان را جانشین ساخت، و دین پسندیده‌شان را برایشان استوار کند و پس از ترس، امنیت را جایگزین سازد.

²⁸ - حسین، أحمد شیخ. (2020). ابن خلدون تطور وانهار الحضارة (ص. 775). مجلة كلية الإلهيات، جامعة كيلس 7 ديسمبر، (2)7، 796-773.

<https://doi.org/10.46353/kZauifd.790134>

²⁹ - ابن خلدون أبو زيد، ولي الدين الحضرمي الإشبيلي، عبد الرحمن بن محمد بن محمد. (1988). ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر (المحقق خليل شحادة، الطبعة الثانية، ص. 377 - 338). بيروت دار الفكر.

بدون شک این آیه کریمه، قانون روشنی را برای شکل گیری قدرت، ثبات و شکوفایی جامعه و اجتماع انسانی و برپایی تمدن بیان می کند؛ بدین معنا که ایمان آگاهانه و عمل صالح، زمینه ساز جانشینی، امنیت و استقرار ارزش ها در زمین است. این آیه کریمه نشان می دهد که اقتدار تمدنی و آرامش اجتماعی نتیجه تصادف یا زور نیست، بلکه حاصل پیوند ایمان، مسئولیت پذیری و فعالیت اخلاقی در جامعه است؛ جامعه ای که این اصول را محقق سازد، از ترس به امنیت، از ضعف به تمکین و از پراکندگی به تمدنی منسجم و پایدار رهنمون می شود.

بخش دوم - عقب ماندگی جوامع و تمدن ها در روشنی قرآن کریم⁽³⁰⁾

قرآن کریم به بسیاری از جوامع و تمدن هایی که در طول تاریخ پدید آمدند و دچار عقب ماندگی، سقوط یا انحطاط شدند اشاره می کند.

خداوند می فرماید:

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ﴾ [هود ۱۰۰]

ترجمه

این ها از اخبار شهرهاست که برایت بازگو می کنیم؛ برخی از آن ها پابرجا و برخی نابود شده اند.

او به زمان حال تعبیر کرده است با اینکه قصه ها گذشته اند، برای آنکه حالت این قصه های بلیغ را مجسم کند، و منظور از «قائم» همان قریه های است که خداوند در قرآن قصه آنها را آورده است، ساکنین قریه ها که همچون آثار باقیمانده ای از شهر فرعون مانند اهرام، و انطاکیه، قریه سه پیامبر، و صنعاء، شهر قوم تُبَع، و روستاهای ویران شده مانند دیار عاد، و روستاهای قوم لوط، و روستای مدین هستند، و منظور از این جمله، توجه و تدبیر است⁽³¹⁾.

قرآن کریم جوامع و تمدن ها و همچنین عوامل عقب ماندگی و سقوط آن ها را قرار ذیل بیان می کند:

اول: انحراف عقیده

نخستین عامل فروپاشی و عقب ماندگی جوامع و تمدن ها انحراف عقیده است پس انحراف عقیده به معنای خروج آگاهانه یا تدریجی از مسیر حق و فاصله گرفتن از اصول اصیل فکری، اخلاقی و دینی است؛ پدیده ای که آثار آن تنها به ساحت فردی محدود نمی ماند، بلکه در سطوح اجتماعی و تمدنی به صورت گسترده بروز می کند. هنگامی که چارچوب های فکری جامعه دچار انحراف می شود، به خصوص در میان نخبگان و حاکمان، ساختار قدرت به جای خدمت به عدالت و خیر عمومی، در مسیر منافع شخصی و ایدئولوژی های نادرست قرار می گیرد و این امر به فساد، فروپاشی اخلاقی و تضعیف انسجام اجتماعی می انجامد.

فقدان تهذیب و تعهد، دانش و توانمندی ها را از کارکرد تمدن ساز خالی کرده و جامعه را از درون دچار ضعف می سازد، به گونه ای که هدف های متعالی خود را از دست داده و به وابستگی فکری و فرهنگی گرفتار می شود.

و در نهایت، انحراف عقیدتی نه تنها مانع پیشرفت و شکوفایی تمدن است، بلکه زمینه های عقب ماندگی و سقوط تاریخی جوامع را فراهم می کند.

³⁰ - نگاهمیزه نازی، ع. الرزاق. (2022 م). التقدّم الحضاري وتراجعته في ضوء القرآن الكريم. مجلة رواء، (13)، ص 60-61. رجب 1443 هـ / فربرایر 2022 م.

³¹ - ابن عاشور، العلامة. (1984). التحرير والتنوير تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد (ج. 12، ص. 158). تونس: دار التونسية للنشر.

پس همان گونه که ایمان به خدا موجب ساخت اجتماع و تمدن می شود، انحراف از آن به کفر یا الحاد باعث می گردد نگاه انسان به خودش، جهان و زندگی مخدوش شود جامعه و تمدن برخلاف فطرت شکل گیرد و در نهایت دچار عقب ماندگی یا زوال شود⁽³²⁾.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ [النحل ۱۱۲]

ترجمه

و خداوند مثل شهری را زد که امن و آرام بود، روزی آن از هر سو فراوان به سوبیش می آمد؛ پس نعمت های خدا را ناسپاسی کرد، و خداوند به سبب آنچه می کردند، جامه گرسنگی و ترس را بر آن چشانید. پس غرور و فریب اجتماعات و تمدن هایی که بر کفر و انحراف بنا شده اند، موقت است و چیزی جز لذت اندک و زودگذر نیست⁽³³⁾.

خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا يَغْرُبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [آل عمران ۱۹۶-۱۹۷]

ترجمه

رفت و آمد و بهره مندی کسانی که کفر ورزیده اند در شهرها تو را نفریبید؛ این بهره ای اندک است، سپس جایگاهشان دوزخ است، و چه بد آرامگاهی است. این آیات کریمه با ترسیم یک الگوی تاریخی - اجتماعی، سازوکار سقوط و عقب ماندگی جوامع و تمدن ها را به روشنی تبیین می کند.

آیه کریمه نخست نشان می دهد که امنیت، رفاه و وفور نعمت در هر جامعه یا اجتماع، زمانی پایدار می ماند که با شکر، مسئولیت پذیری و پابندی ارزشی همراه باشد؛ اما هنگامی که یک جامعه از درون دچار کفران نعمت و انحراف فکری و اخلاقی می شود، همان عوامل قدرت و ثبات، به زمینه های فروپاشی تمدنی تبدیل می گردد و امنیت جای خود را به ترس و رفاه به فقر می دهد.

و آیات کریمه بعدی هشدار می دهد که ظاهر پرتحرک، اقتدار اقتصادی و نفوذ تمدن های منحرف نباید موجب فریب شود، زیرا این شکوفایی اجتماعی، متاعی زودگذر و فاقد بنیان پایدار است. از منظر قرآنی، تمدنی که بر کفر، غرور و بی تعهدی اخلاقی بنا شود، هرچند در کوتاه مدت جلوه ای از پیشرفت داشته باشد، در منطق تاریخ و سنت الهی محکوم به زوال و سقوط اجتماعی است.

32 - بدوی، عمار توفیق أحمد. (2014 م). مقومات الحضارة وعوامل أفلوها من منظور القرآن الكريم (ص 111-112). الرياض مركز الدراسات الإسلامية والمخطوطات والإفتاء، أكاديمية القاسمي.

33 - مرجع سابق، ص 118.

دوم: استبداد در حکومت داری

دومین عامل عقب ماندگی و از بین رفتن جوامع و تمدن ها استبداد حاکم است پس استبداد حاکم به معنای تمرکز مطلق قدرت در دست یک فرد یا گروه بدون نظارت و پاسخگویی به مردم است و با سرکوب آزادی، ابتکار و عدالت، نقش مخربی در روند رشد جامعه و شکوفایی تمدن ایفا می کند. این خودکامگی باعث فساد منابع، ایجاد نابرابری و نظام طبقاتی، تضعیف همبستگی اجتماعی و رواج ترس و ناامیدی در میان مردم می شود.

فقدان آزادی فکری و سیاسی، نوآوری و پیشرفت علمی و فرهنگی را فلج می کند و زیرساخت های اقتصادی و فکری جامعه را نابود می سازد. بدین ترتیب، استبداد نه تنها عدالت و حقوق اساسی افراد را پایمال می کند، بلکه بنیان های اجتماعی و تمدنی را سست کرده و جامعه را به سوی عقب ماندگی، وابستگی و سقوط تمدن هدایت می کند.

پس هنگامی که حاکم به صورت خودسرانه و برای منافع شخصی یا گروهی عمل کند و همراهانش از رفاه و تجمل بهره مند شوند، اجتماع و تمدن دچار عقب ماندگی می شود.

زیرا حاکم رأس هرم تمدن است⁽³⁴⁾ و اگر عملکرد او نادرست باشد، مردم انگیزه ای برای کار و پیشرفت نخواهند داشت و جامعه و تمدن به سمت انحطاط و سقوط کشیده می شود.

خداوند متعال نمونه های زیادی را از استبداد حکام که سبب فروپاشی تمدن ها و جوامع گردیده بوده در آیات مختلف قرآنی اشاره داشته که از آن جمله موارد ذیل می باشد:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ﴾ [سوره القصص ۴]

ترجمه

بی گمان فرعون در زمین برتری جویی کرد و مردم آن را دسته دسته ساخت و گروهی از آنان را ناتوان و خوار می داشت.

﴿قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾ [سوره غافر ۲۹]

ترجمه

فرعون گفت من جز آنچه خود می بینم به شما نشان نمی دهم و شما را جز به راه درست راهبری نمی کنم.

﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ﴾ [سوره النازعات ۲۴]

ترجمه

پس گفت من پروردگار برتر شما هستم.

این آیات قرآن کریم با ترسیمی ژرف و عبرت آموز نشان می دهد که استبداد حاکم چگونه به صورت مستقیم به عقب ماندگی جامعه و فروپاشی تمدن می انجامد؛ آنجا که می فرماید ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ﴾، از حاکمی سخن می گوید که با روحیه استعلاء و برتری طلبی، خود را بالاتر از قانون، اخلاق و مردم می نشاند و با ﴿جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا﴾ انسجام جامعه و بنیان تمدن را با تفرقه افکنی و استضعاف درهم می شکند؛ سپس در مرحله ای عمیق تر، استبداد فکری و سیاسی را به اوج می رساند، آنجا که می گوید ﴿مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ﴾ و بدین سان عقل جمعی، مشورت اجتماعی و اراده عمومی جامعه را تعطیل کرده و مسیر رشد

³⁴ - ابن خلدون أبو زید، ولي الدين الحضرمي الإشبيلي، عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن محمد. (1988). ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر (المحقق خليل شحادة، الطبعة الثانية، ص 210-213، با تصرف). بيروت دار الفكر.

تمدن را به اراده فردی خویش گره می‌زند؛ و سرانجام، در نهایت انحطاط، استبداد به الوهیت بخشی به نفس خود می‌رسد. ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾، که در آن حاکم مستبد نه تنها آزادی و کرامت انسان، بلکه بنیاد ایمان، اخلاق و معنا را از جامعه می‌گیرد. بدین گونه قرآن کریم نشان می‌دهد هر تمدنی که بر محور استبداد، خودکامگی و حذف مردم بنا شود، گرچه ظاهری پرشکوه داشته باشد، در درون تهی است و ناگزیر به رکود، زوال و سقوط کشانده می‌شود.

سوم: ظلم

سومین عامل فروپاشی جوامع و تمدن‌ها ظلم است، و ظلم به معنای قرار دادن هر چیز در غیر جایگاه شایسته‌اش و تجاوز از حدود الهی و حقوق انسان‌هاست؛ پدیده‌ای که با بی‌عدالتی، ستم و تعدی همراه است و پیامد آن چیزی جز تنگدستی، بی‌نظمی، تفرقه و در نهایت ویرانی حکومت‌ها و تمدن‌ها نیست. عدالت ستون ثبات و دوام جامعه است، و هنگامی که ظلم بر ساختار سیاسی، اجتماعی و اخلاقی یک جامعه سایه می‌افکند، این ستون فرو می‌ریزد؛ امنیت و آرامش از میان می‌رود، فقر و ناامنی گسترش می‌یابد، وحدت اجتماعی فرو می‌پاشد و فساد و استکبار جای فضیلت و کرامت انسانی را می‌گیرد. از این رو، همان گونه که عدالت ضامن بقای حکومت‌ها و شکوفایی تمدن‌هاست، ظلم عامل اصلی زوال آن‌هاست؛ زیرا با خشکاندن ریشه‌های اعتماد، همبستگی و حق‌مداری، جامعه را گام‌به‌گام به سوی ضعف، رکود و سقوط سوق می‌دهد. پس هنگامی که انسان در هر جنبه‌ای از زندگی‌اش مظلوم واقع شود، دستش از کار و تلاش که اساس هر اجتماع و تمدنی است، کوتاه می‌شود و امیدهایش برای کسب و تحصیل از بین می‌رود⁽³⁵⁾.

این سنت خداوند در این جهان است؛ زیرا بسیاری از جوامع و تمدن‌ها به دلیل ظلم از میان رفته‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ۗ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۗ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ﴾ [هود ۱۰۱]

ترجمه

و ما به آنان ستم نکردیم، بلکه خودشان به خویشان ستم کردند؛ پس آن معبودهایی که به جای خدا می‌خواندند، هنگامی که فرمان پروردگارت فرا رسید، هیچ سودی به حالشان نداشت و جز نابودی و هلاکت بر آنان نیفزودند. علامه ابن خلدون می‌بیند که ظلم یکی از مهم‌ترین عوامل فروپاشی است، زیرا نشانه خراب شدن جامعه و تمدن است. همچنین از عوامل فروپاشی، استبداد حاکم و تنعم او به تجملات است. او تمدن و عمران را مانند انسان می‌داند؛ رسیدن به قله گاهی نشانه فساد و فروپاشی است، زیرا به هر کشور مانند انسان عمر مشخصی داده شده است⁽³⁶⁾.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾ [هود ۱۱۷]

ترجمه

و پروردگار تو هرگز شهرها را به ستم هلاک نمی‌کند، در حالی که مردم آن اصلاح‌گر باشند. این دو آیه، یک قاعده اساسی و بنیادین الهی در فهم سقوط جوامع و سرنوشت تمدن‌ها را بیان می‌کند.

³⁵ - همان، ص 353-354.

³⁶ - مرجع سابق، ص 697-700.

آیه ﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ روشن می‌سازد که نابودی اقوام، نتیجه ظلم الهی نیست، بلکه پیامد طبیعی استمی است که انسان‌ها بر خویش و بر ساختار اجتماعی خود روا می‌دارند؛ هنگامی که عدالت کنار گذاشته می‌شود و ظلم، شرک، فساد و استبداد به صورت یک نظام پایدار در جامعه نهادینه می‌گردد، نیروهای درونی فروپاشی فعال می‌شوند و حتی تکیه‌گاه‌های ساختگی و قدرت‌های ظاهری نیز هیچ کارایی نخواهند داشت.

آیه دوم، ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾، این معنا را تکمیل می‌کند و نشان می‌دهد که بقای تمدن‌ها با اصلاح گره خورده است؛ تا زمانی که روح اصلاح، عدالت خواهی و مسئولیت‌پذیری در جامعه زنده باشد، قانون الهی بر هلاکت جاری نمی‌شود، اما با غلبه ظلم و حذف اصلاح، سقوط تمدن نه امری اتفاقی، بلکه نتیجه حتمی سنت‌های الهی در تاریخ اجتماع انسان‌ها خواهد بود.

چهارم: فساد با تمام انواع آن

چهارمین عامل از عوامل عقب ماندگی و فروپاشی تمدن‌ها و جوامع فساد گسترده و فراگیر است که این مورد می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد که قرار آتی بیان می‌شود:

1. فساد نظام حکومتی

فساد حکومتی، یعنی استفاده صاحبان قدرت از اختیارات عمومی برای منافع شخصی، سبب فروپاشی اعتماد اجتماعی و تضعیف نهادهای دولت می‌شود و با گسترش بی‌عدالتی، رکود اقتصادی و انحطاط اخلاقی، جامعه را از درون خالی می‌سازد؛ از این رو، این فساد به مثابه عامل پنهان اما تعیین کننده، زمینه عقب ماندگی و در نهایت سقوط جوامع و تمدن‌ها را فراهم می‌کند.

افزون بر این، فساد نظام‌مند مؤثریت حاکمیت را در مدیریت بحران‌ها از میان برده، شکاف میان مردم و حکومت را عمیق‌تر می‌سازد و نظم اجتماعی را مختل می‌کند، به گونه‌ای که جامعه توان بازسازی و پیشرفت پایدار را از دست می‌دهد. پس این امر سبب هلاکت ملت‌ها و سقوط جوامع و تمدن‌ها می‌شود؛ زیرا انسان در سایه حکومتی فاسد از آزادی و حقوق خود برخوردار نیست و از بیم جان خود، اشتباهات را اصلاح نمی‌کند و نتیجه، انباشت مشکلات و فروپاشی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ *** الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ *** فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ *** فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ﴾ [الفجر ۱۰-]

[۱۳]

ترجمه

وآیا خبر نداری که پروردگارت با فرعون، آنکه دارای بناهای استوار و محکم - میخ گونه - بود، چه کرد؟ آن‌ها اقوامی بودند که در سرزمین‌ها طغیان کردند و در آنجا فساد و تباهی بسیار کردند. پس پروردگارت بر آن‌ها شلاق عذاب فرود آورد. پس این آیات قرآن کریم تصویری روشن از ارتباط مستقیم فساد حکومتی و استبداد با سقوط تمدن‌ها ارائه می‌دهند. فرعون که «ذو الأوتاد» خوانده شده و قدرتش محکم و استوار بود، این قدرت را به جای خدمت به جامعه، برای طغیان و گسترش فساد در سرزمین‌ها به کار برد. فساد گسترده شامل ستم به مردم، نابودی نظم اجتماعی و اخلاقی و غفلت از عدالت بود، که باعث تضعیف بنیان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شد.

نتیجه طبیعی چنین حکومتی، همان طور که آیات اشاره می کنند، واکنش الهی و فروپاشی نظم موجود است؛ یعنی سقوط تمدن و عقب ماندگی جامعه، که نشان دهنده پیوند جدایی ناپذیر میان استبداد، فساد حکومتی و زوال تمدن هاست.

2. فساد اداری و اقتصادی

فساد اداری و اقتصادی عبارت است از سوءاستفاده از قدرت و موقعیت برای منافع شخصی، که چرخه های اقتصادی را از مسیر تولید و عدالت خارج می کند و اعتماد عمومی، مشروعیت دولت و ارزش های اخلاقی و سیاسی را تضعیف می کند. این پدیده با افزایش رشوه، اختلاس، و... شکاف های طبقاتی و نابرابری اقتصادی را گسترش می دهد، کارایی نهادها و ثبات سیاسی را کاهش می دهد و جامعه را به بی کفایتی، رکود و بی ثباتی می کشاند.

در نتیجه، فساد اقتصادی مانند یک بیماری درونی، بنیان های اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی تمدن ها را متزلزل کرده و زمینه سقوط و انحطاط جوامع را فراهم می کند.

پس قرآن کریم انواع فساد اقتصادی بر ملا ساخته و خبر جامعه و تمدن مدین را نقل می کند که علت هلاکت آن معاملات فاسد و عدم رعایت انصاف در کیل و وزن با قسطاس مستقیم بوده است؛ نتیجه آن، نابودی جامعه و تمدن به دلیل فساد اقتصادی بود⁽³⁷⁾.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ وَتُدْءُوا بِهَا إِلَى الْحُكْمِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [سوره

بقره ۱۸۸]

ترجمه

و اموالتان را به باطل (باطل یعنی باطل کردن حق، ظلم، دزدی، فریب، فساد) بین خودتان مخورید و به سوی حاکمان نفرستید تا گروهی از اموال مردم را به گناه بخورند در حالی که می دانید.

﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ [سوره اعراف آیه ۸۵]

ترجمه

و در توزان (وزن و قیمت) عدالت را برپا دارید و از دادن حق دیگران در سنجش و وزن کم نگذارید. و همچنان فرموده الله متعال است:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ [سوره مطففین ۱-۳]

ترجمه

وای بر کسانی که در وزن و اندازه خیانت می کنند! آن ها هنگامی که بر مردم چیزی می فروشند، کامل می گیرند، و هنگامی که چیزی برای آن ها اندازه یا وزن می شود، نقصان می دهند.

این آیات قرآن کریم، با تأکید بر عدالت اقتصادی و اخلاقی، تصویری روشن از بنیان های اخلاقی یک جامعه سالم ارائه می دهند و هشدار می دهند که تجاوز به حقوق دیگران، فساد مالی و خیانت در معاملات نه تنها گناه فردی است، بلکه تهدیدی مستقیم برای سلامت و پایداری کل تمدن ها محسوب می شود.

³⁷ - بدوی، عمار توفیق أحمد. (2014 م). مقومات الحضارة وعوامل أفلوها من منظور القرآن الكريم (ص 157-158). الرياض مركز الدراسات الإسلامية والمخطوطات والإفتاء، أكاديمية القاسمي.

در آیه اول خداوند به صراحت ممنوعیت مصرف اموال به باطل و سوء استفاده از قدرت و نفوذ حاکمان برای غارت مال مردم را بیان می کند؛ عملی که هم فرد و هم جامعه را در فساد و انحطاط فرو می برد.

در آیه دوم، با دستور به ایستادگی بر قسط در وزن و سنجش، اهمیت عدالت در معاملات و حفظ حقوق دیگران را برجسته می سازد، زیرا اقتصاد سالم و اعتماد متقابل میان مردم، ستون استحکام هر جامعه است.

و در پایان در آیات سوره مبارکه مطففین با هشدار شدید نسبت به کسانی که در اندازه و وزن خیانت می کنند، نشان می دهند که کوتاهی در رعایت انصاف و حق الناس، زمینه ساز سقوط تمدن ها است؛ زیرا فساد اقتصادی و کم فروشی نه تنها اعتماد اجتماعی را از بین می برد، بلکه ارزش های اخلاقی و پایه های حکمرانی را تضعیف کرده و در نهایت جامعه را به سوی بی ثباتی، انحطاط و فروپاشی می کشاند.

بنابراین این آیات، پیوند میان عدالت اقتصادی، سلامت اجتماعی و دوام تمدن ها را به زیبایی ترسیم می کنند و هشدار می دهند که هرگونه تجاوز به حقوق دیگران، به مثابه گام نخست در مسیر سقوط جوامع است.

پنجم: تکبر، ستمگری و غرور

پنجمین عامل از عوامل بربادی و نابودی جوامع و تمدن ها تکبر، غرور و ستمگری است پس این ها مفاهیمی هستند که ریشه در خودبرتربینی، خودپسندی و تجاوز به حقوق دیگران دارند و به عنوان عوامل مستقیم انحطاط جوامع و سقوط تمدن ها عمل می کنند.

این صفات با ایجاد بی عدالتی، تفرقه، کاهش همدلی و تمرکز بر منافع شخصی، اعتماد عمومی و وحدت جمعی را از بین می برند. در سطح حاکمیت، غرور و تکبر موجب فساد اخلاقی و مدیریتی، تصمیمات نادرست و ناپایداری سیاسی می شود؛ در نتیجه، جامعه دچار رکود، فقر، و از دست رفتن اصول عدالت و همزیستی می گردد.

تاریخ تمدن ها نشان می دهد که بسیاری از حکومت ها و امپراتوری ها، از جمله روم و فارس، به دلیل چنین آسیب های درونی و ستمگری حاکمان، مسیر پیشرفت را ترک کرده و به سقوط و انحطاط کشیده شده اند.

به طور خلاصه، این صفات همانند ویروس هایی در جامعه عمل می کنند که با نابودی همکاری، عدالت و همدلی، پایه های تمدن را سست کرده و آن را به سمت فروپاشی سوق می دهند.

و قرآن کریم نیز حال و سرنوشت جوامع و تمدن ها را بررسی می کند و نشان می دهد که چگونه به دلیل تکبر، غرور و ستمگری شان نابود شدند و به فروپاشی و سقوط انجامیدند⁽³⁸⁾.

خداوند متعال می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادِ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ وَثُمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ﴾ [الفجر ۶-۱۳]

ترجمه

آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد، شهری با ستون های سترگ که مانند آن در سرزمین ها خلق نشده بود، و با ثمود که در دره ها سنگ ها را می تراشیدند، و با فرعون که دارای ساختمان های محکم و استوار - میخ گونه - بود و در شهرها و سرزمین ها

³⁸ - بدوی، عمار توفیق أحمد. (2014 م). مقومات الحضارة وعوامل أفولها من منظور القرآن الكريم (ص 148). الرياض مركز الدراسات الإسلامية والمخطوطات والإفتاء، أكاديمية القاسمي.

طغیان کردند و فساد بسیار کردند، چه کرد؟ پروردگارت بر آن‌ها شلاق عذاب فرود آورد. همانا پروردگارت همیشه آماده‌ی گرفتن حساب است.

این آیات شریفه به صورت تاریخی و عبرت آمیز، نشان می‌دهد که جوامع و تمدن‌های بزرگ و پیشرفته، حتی اگر از نظر فیزیکی و قوت در اوج باشند، اگر در پایه‌های اخلاقی و عدالت اجتماعی فروگذار کنند و در زمین استکبار، غرور و انواع فساد و طغیان را مرتکب شوند، محکوم به نابودی اند.

پس قوم عاد با شهرهای سترگ و ستون‌های بلند، ثمود با مهارت در تراشیدن سنگ‌ها و فرعون با استحکام بناهایش، همه نمونه‌هایی از جوامع قدرتمند بودند که به خاطر تکبر، غرور، طغیان و فساد گسترده، دچار عذاب الهی شدند.

پیام اصلی این آیات این است که قدرت، ثروت و پیشرفت مادی هرگز جایگزین عدالت، تقوا و اخلاق انسانی نمی‌شوند؛ هرگاه جامعه‌ای حقوق مردم را نادیده بگیرد و فساد اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی در آن افزایش یابد، حتی برجسته‌ترین تمدن‌ها نیز در معرض سقوط قرار می‌گیرند.

پس این آیات به نوعی هشدار تاریخی و الهی هستند که دوام هر جامعه نه در بناهای عظیم و قوت، بلکه در رعایت قسط، انصاف و احترام به حقوق دیگران است و هرگونه کوتاهی در این اصول، مسیر سقوط و انحطاط تمدن‌ها و جوامع را هموار می‌کند.

ششم: کثرت گناهان و معاصی

ششمین عامل از عوامل افول و فروپاشی جوامع و تمدن‌ها کثرت گناهان و معاصی است، پس این به معنای رواج بی‌بندوباری، ظلم و انحراف اخلاقی در سطح جامعه، همانند یک عامل قوی در درون تمدن به گونه منفی عمل می‌کند که بنیان‌های اخلاقی، اعتماد، همبستگی و عدالت را می‌خورد.

این پدیده با از بین بردن نظم اجتماعی و فروپاشی ارکان قدرت، زمینه را برای فساد، عیش و نوش حاکمان، بی‌نظمی عمومی و ضعف در برابر تهدیدات خارجی فراهم می‌آورد و در نهایت به سقوط تمدن‌ها می‌انجامد، همان‌طور که در تاریخ آندلس اسلامی مشاهده شد؛ جایی که فاصله گرفتن از اصول دینی و فراگیری فساد اخلاقی و سیاسی جامعه را به انحطاط کشاند.

کثرت گناهان موجب از بین رفتن همبستگی اجتماعی، ضعف معنوی و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت فردی و جمعی می‌شود و در نگاه اسلامی، نوعی عذاب تدریجی - الهی است که جوامع فاسد را متزلزل می‌کند.

و در مجموع، گناهان گسترده مانند ویروسی در پیکره جامعه عمل کرده و پایه‌های تمدن و اجتماع را سست و آن را به سمت نابودی سوق می‌دهند.

این معاصی و گناهان شامل گناهان فردی یا جمعی می‌شود.

پس جوامع و تمدن‌هایی که فرامین الهی را نادیده می‌گیرند یا به فجورها و مناهی ربانی دست می‌زنند، سرانجامشان نابودی است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ أُمَّةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ [النحل ۱۱۲]

ترجمه

خداوند متعال مثالی زد شهری که امن و آرام بود و روزی اش از هر طرف به آن می‌رسید، اما کفران نعمت‌های خدا کرد، پس خداوند لباس گرسنگی و ترس را به خاطر آنچه انجام می‌دادند بر آن‌ها چشانید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نَمُكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾ [الأنعام ۶]

ترجمه

آیا ندیدند پیش از آن‌ها چه اقوامی را هلاک کردیم، که ایشان را در زمین چنان توانمندسازی کردیم که برای شما آن را چنین نکردیم، و باران‌ها را بر آن‌ها فرو فرستادیم و رودخانه‌ها از زیر پایشان جاری ساختیم، پس به خاطر گناهانشان هلاکشان کردیم و پس از آن‌ها قومی دیگر برانگیختیم. و همچنان الله متعال فرموده است:

﴿أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾ [إبراهيم ۲۸]

ترجمه

آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به خانه نابودی کشاندند. پس این آیات قرآن کریم به صراحت نشان می‌دهند که عامل اصلی فروپاشی و عقب‌ماندگی جوامع و تمدن‌ها، کثرت گناهان و معاصی در میان مردم است.

در آیه نخست، شهری امن و پر نعمت مثال زده شده که به دلیل کفران نعمت و فساد اخلاقی و اجتماعی، خداوند لباس گرسنگی و ترس را بر آن‌ها پوشاند؛ این بیانگر آن است که هرچقدر رفاه مادی و قدرت اقتصادی جامعه بالا باشد، اگر مردم به معاصی و ظلم دست زنند، جامعه از درون فرو می‌پاشد.

و آیه دوم با یادآوری هلاک اقوام پیشین، نشان می‌دهد که قدرت، امکانات طبیعی و رفاه هرگز تضمینی برای دوام اجتماع و تمدن نیست؛ گناه جمعی و بی‌توجهی به حق الناس و عدالت، علت اصلی نابودی آن‌ها شد و خداوند پس از آن قومی دیگر را جایگزین کرد.

همچنین، آیه سوم هشدار می‌دهد که کسانی که نعمت‌های خدا را به کفر و ظلم بدل کردند، قوم خود را به دار البوار / نابود سرا کشاندند.

پس به گونه فشرده، این آیات حکایت از آن دارند که کثرت گناهان، ظلم، فساد اقتصادی و اجتماعی، بی‌توجهی به عدالت و حقوق دیگران، ریشه‌های اساسی اخلاق و تمدن جوامع را می‌سوزاند و مسیر سقوط و عقب‌ماندگی را هموار می‌کند؛ این عبرت تاریخی به ما یادآوری می‌کند که دوام و پیشرفت هر جامعه، تنها در پرتو پاکی، عدالت، تقوا و رعایت حدود الهی ممکن است.

خاتمه

خاتمه این تحقیق شامل نتیجه گیری و پیشنهادات و همچنان منابع و مراجع تحقیق می باشد.

نتیجه گیری

بر اساس موضوعات تحقیق شده می توان موارد ذیل را نتیجه گیری نمود:

1. قرآن کریم ایمان به خداوند و پیوند آن با عمل صالح را اصل بنیادین پیشرفت جوامع و تمدن پایدار معرفی می کند، زیرا تنها در سایه ایمان و تقوا، عدالت، توسعه و شکوفایی مادی و معنوی همزمان تحقق می یابد و دوام جامعه تضمین می شود.
2. علم و دانش محرک اصلی رشد و پیشرفت جوامع است؛ قرآن با تأکید بر آموختن، تدبر و بهره گیری از دانش نشان می دهد که توسعه پایدار تنها در سایه خرد، آگاهی و مسئولیت پذیری ممکن است و رشد فردی و جمعی بدون دانش محقق نمی شود.
3. عدالت ستون اصلی پیشرفت است و تنها با رعایت انصاف، رفع تبعیض و تضمین حقوق همه افراد، توسعه مادی، معنوی و اجتماعی تحقق می یابد. قرآن کریم این نقش بنیادین عدالت را در پایداری تمدن ها روشن می سازد.
4. هماهنگی با سنن کونی و قوانین ثابت الهی و اصلاح درونی انسان، از دیگر پایه های پیشرفت پایدار جوامع است؛ قرآن نشان می دهد که موفقیت جمعی و شکل گیری تمدن منظم، تنها در سایه تلاش مسئولانه، مقابله با فساد و اصلاح درون تحقق می یابد.
5. احترام به اخلاق اجتماعی مانند رحمت، مشورت، برابری، امانت داری و احسان، اعتماد و انسجام اجتماعی را تقویت می کند، و بهره گیری درست از منابع طبیعی و اقتصادی شالوده ای برای رشد پایدار جامعه است. قرآن با اشاره به این اصول، نقش محیط سالم و عدالت اقتصادی را در آبادانی و شکوفایی تمدن برجسته می سازد.
6. انحراف عقیده، استبداد در حکومت داری و ظلم، جوامع را به رکود و فروپاشی می کشاند؛ قرآن با یادآوری سرنوشت اقوام گذشته، نشان می دهد که تمرکز قدرت، حذف مردم، سرکوب عقل جمعی و کنار گذاشتن عدالت، اعتماد، امنیت و انسجام اجتماعی را فرو می ریزد و مسیر سقوط تمدن را هموار می کند.
7. فساد در اشکال حکومتی، اداری و اقتصادی، تکبر، غرور، ستمگری و رواج گناهان و معاصی بنیان های اخلاقی و اجتماعی را از میان می برد و پیشرفت پایدار را متوقف می سازد؛ قرآن کریم این عوامل را به عنوان تهدیدی برای تمدن معرفی کرده و هشدار می دهد که دوام جوامع تنها در تقوا، پاکی، عدالت و پایبندی به حدود الهی ممکن است.

پیشنهادات

بر اساس یافته های این تحقیق پیشنهادات ذیل قرار آتی تقدیم می گیرد:

1. ترویج ایمان همراه با عمل صالح از طریق برنامه های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی.
2. ارتقای سطح علمی جامعه با حمایت از مراکز تحقیقاتی و تشویق یادگیری مستمر در علوم تجربی و انسانی.
3. استقرار عدالت و شفافیت در نظام های قضایی و اداری برای تقویت اعتماد اجتماعی و انسجام جامعه.
4. رعایت سنن الهی و قوانین طبیعی در تصمیم گیری های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی.
5. تقویت همکاری و همبستگی اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت و مسئولیت پذیری جمعی.

6. ترويج و آموزش ارزش های اخلاقی و انسانی مانند احسان، وفای به عهد، مشورت و پرهیزکاری.
7. استفاده درست علمی، عادلانه و پایدار از منابع اقتصادی و محیطی برای توسعه و پیشرفت تمدن و جامعه.
8. ایجاد نظام سیاسی مستقر، پاسخگو و متعهد به اصول اخلاقی و شرعی برای هموار کردن مسیر توسعه جامعه و تمدن.

مصادر و مراجع

1. ابن العماد العکري الحنبلي، عبد الحي بن أحمد بن محمد أبو الفلاح. (1986). شذرات الذهب في أخبار من ذهب (تحقيق محمود الأرناؤوط، خرج أحاديثه عبد القادر الأرناؤوط، الطبعة الأولى. دمشق-بيروت دار ابن كثير.
2. ابن خلدون أبو زيد، ولي الدين الحضرمي الإشبيلي، عبد الرحمن بن محمد بن محمد. (1988). ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر (المحقق خليل شحادة، الطبعة الثانية. بيروت دار الفكر.
3. ابن عاشور، العلامة. (1984). التحرير والتنوير تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد. تونس الدار التونسية للنشر.
4. ابن كثير، إسماعيل بن عمر. (1999). تفسير القرآن العظيم (تحقيق سامي بن محمد السلامة، الطبعة الثانية). الرياض دار طيبة للنشر والتوزيع.
5. بدوي، عمار توفيق أحمد. (2014). مقومات الحضارة وعوامل أفولها من منظور القرآن الكريم. الرياض مركز الدراسات الإسلامية والمخطوطات والإفتاء، أكاديمية القاسمي.
6. الحاكم النيسابوري، أبو عبد الله محمد بن عبد الله. (2018). المستدرک على الصحيحين (تحقيق عادل مرشد، ج 1، 4، 7 بالاشتراك، 9؛ د أحمد برهوم، ج 2؛ د محمد كامل قره بلي، ج 3، 5، 6؛ د سعيد اللحام، ج 7 بالاشتراك، 8؛ الطبعة الأولى). بيروت دار الرسالة العالمية.
7. حَبَنَّة ميداني، عبد الرحمن بن حسن. (1998). الحضارة الإسلامية أسسها ووسائلها وصور من تطبيقات المسلمين لها ولمحات من تأثيرها في سائر الأمم. دمشق دار القلم.
8. حسين، أحمد شيخ. (2020). ابن خلدون تطور وانهييار الحضارة. مجلة كلية الإلهيات، جامعة كيلس 7 ديسمبر، (2)7، 796-773.
9. الزحيلي، وهبة. (1991). التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج (الطبعة الأولى، ج 1-32). دمشق دار الفكر؛ بيروت دار الفكر المعاصر.
10. الزركلي الدمشقي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس. (2002). الأعلام (الطبعة الخامسة عشر). بيروت دار العلم للملايين.
11. السخاوي، شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد. (بدون سال). الضوء اللامع لأهل القرن التاسع. بيروت منشورات دار مكتبة الحياة.
12. السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله. (2000). تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان (تحقيق عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الطبعة الأولى). بيروت مؤسسة الرسالة.

13. الظاهري الحنفي، يوسف بن تغري بردي بن عبد الله، أبو المحاسن جمال الدين. (بدون سال). المنهل الصافي والمستوفى بعد الوافي (تحقيق ووضع حواشيه د. محمد محمد أمين، تقديم د. سعيد عبد الفتاح عاشور). القاهرة الهيئة المصرية العامة للكتاب.
14. كحالة، عمر رضا. (2003). معجم المؤلفين (عماد علي جمعة، الناشر سلسلة التراث العربي الإسلامي، الطبعة الثانية). [المكتبة الإسلامية].
15. مينة نازي، ع. الرزاق. (2022). التقدّم الحضاري وتراجعته في ضوء القرآن الكريم. مجلة رواء، (13)، رجب 1443 هـ / فبراير 2022 م.

الملخص

تتناول هذه المقالة دراسة عوامل التقدم والتخلف لدى المجتمعات والحضارات في ضوء القرآن الكريم. ويظهر البحث أن الإيمان، والعلم، والعدل، والالتزام بالسُّنن الكونية والاجتماعية، والتعاون والتضامن، والقيم الأخلاقية، والبيئة الملائمة والموارد الاقتصادية، والنظام السياسي المستقر، تُعد من العوامل الرئيسية لتقدم المجتمعات والحضارات. كما يُعتبر انحراف العقيدة، واستبداد الحاكم، والظلم والفساد بمختلف أشكاله، من أسباب تخلف وتراجع المجتمعات والحضارات. وتُظهر الدراسة أن الالتزام بالمبادئ القرآنية والاستفادة من السنن الإلهية يمثل مفتاح دوام وازدهار المجتمعات والحضارات.

Abstract

This article examines the factors of progress and backwardness of societies and civilizations in light of the Holy Quran. The study shows that faith, knowledge, justice, adherence to cosmic and social laws, cooperation and solidarity, ethical values, a suitable environment and economic resources, and a stable political system are considered the main factors for the advancement of societies and civilizations. Likewise, deviation in belief, despotic rulers, oppression, and corruption in its various forms are regarded as causes of the backwardness and decline of societies and civilizations. The study indicates that adherence to Qur'anic principles and utilization of divine laws is the key to the continuity and flourishing of societies and civilizations.